



# طبع وحدت

ارگان نشریات کنگره حزب وحدت اسلام افغانستان - کویته

شماره (۳۱ و ۳۲) سال سوم عقرب ۱۳۷۲ هـ ش ۱۲۱۳ هـ ق ۱۹۹۳ م

## متن سخنرانی حضرت آیت الله خراسانی در کویته پاکستان

زندگینامه روحانی شهید محمدعلی (شریفی) صفحه ۱۶  
بیانیه حضرت آیت الله العظمی محقق (کابلی) در مورد اصول اساسی موقت صفحه ۱۴

## متن سخنرانی استاد محقق افشار مسئول دفتر کویته پاکستان

# مسئولیت پذیری از نظر اسلام

ار: استاد محمد محقق دایکندی

از روزی که مکتب انسان ساز اسلام و تعالیم حیات بخش آن در قالب بعثت و رسالت پیامبر بزرگوار اسلام (ص) خط بطلان بر نظامهای ضد بشری و حکومتهای طاغوتی دنیا کشیده و با سرنگون ساختن کاخهای جباران و ستمکاران و قدرت های شیطانی و برچیدن ظلم و ستم

و كذا لك جعلناكم امه وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا (بقره آیه ۱۴۳)  
چنانچه تاریخ و سرگذشت جوامع اسلامی را مورد بررسی قرار داده و حوادث و تحولات حاکم بر بلا دمسلمین را از زیبایی نمائیم به این واقعت پی میبریم که:

# محمد اسماعیل مبلغ بنیشتند فرزا

مفحه ۹

سین تاویل

## پیام تبریک به استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت عنوانی محترم به بنظیر بوتو وزیر اعظم پاکستان

مفحه ۲

سایه روشن بانی زنده گشت دوش علیخان هزاره مرد سیاسی وطن

مفحه ۱۲

قطعه نامه دوین سینا بر روی اسایل سیاسی کتو

مفحه ۱۳

مضاجبه اختصاصی با استاد برهانی

مفحه ۱۰

مضاجبه اختصاصی با آقای مهی سول محابرات حزب وحدت اسلامی در خارج از کتو

مفحه ۱۴

گزارشی زور و د حضرت آیت الله خراسانی در کویته پاکستان

مفحه ۲



## تلاش برای تحکیم قدرت انحصاری در افغانستان ادامه دارد

پس از امضای پیمانهای متعدد میان رهبران احزاب سیاسی افغانستان جنگ قدرت طلبی انهم بطور انحصاری، اندک فروکش کرده و لاقبل چند صباحی استفاده از سلاحهای مرکب و ویرانگر همانند: توپ، تانک، موشک، بمب و غرش میکها و هیلکوپتر گاهش یافته بود، مردم زجر کشیده و بلا دیده و جنگ زده کابل علاوه بر اینکه خیلی از عزیزان خود را از دست داده، تمام اموال و دارائی شان بفسارت رفته، خانه و کاشانه آنها ویران و خراب شده و بر باد رفته، باچشمان بی فروغ شان در سوگ عزیزان از دست رفته خود در انتظار امنیت و آرامش بیشتر و فردای بهتر تری دقیقسه شماری میگردند که شاید صلح و ثبات در کشور برقرار گردد.

از سوی دیگر جهانیان هم بطور نسبی باور کردند که فرزندان افغانستان بیشتر از این خیره سری نخواهد کرد و دست از محاصره برداشته و به اعمار مجدد کشور شان خواهند پذیرا دخت و بر همین باور نسبی کم کم روابط دیپلماتیکی جاری گشت جناب رئیس جمهور و صدراعظم و وزرای با اصطلاح دولت اسلامی دست به مسافرت های زدند که با خود رفتند و یاد عوت شدند و تفاهم نامه هائی هم با بعضی از کشورهای دیگر به امضا رساندند

مفحه ۲

### درین شماره میخوانید

- تلاش برای تحکیم قدرت
- متن سخنرانی آیت الله خراسانی
- بیانیه حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی
- زندگینامه شهید (شریفی)
- متن سخنرانی استاد محقق افشار
- مسئولیت پذیری
- مرجعیت يك تحول بنیادی در
- سایه روشن هائی ار
- قطعه نامه دومین سمینار بررسی
- مضاجبه با آقای برهانی
- مضاجبه با آقای فهیمی
- گزارشی زور و دایت الله خراسانی در کویته
- محمد اسماعیل مبلغ بنیشتند فرزان
- پیام تبریک به استاد مزاری عنوانی

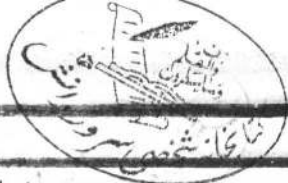
# مرحمت یک تحول بنیادی جامع افغان

از: استاد اخلاقی بکونکی

سیاسی، نظامی، اقتصادی، عبادی و اجتماعی هر آن ولحظه به فتاوی مجتهد جامع الشرايط و راهنمائی مراجع عظام ضرورت و نیاز دارد.

مفحه ۲

ظهور مرجعیت در هر جامعه مخصوصا در جامعه تشیع افغانستان از اهمیت بسیار بالا و ویژه برخوردار است، زیرا از نظر اصول و عقاید جوامع تشیع در تدابیر عرصه های



# دلاش برای حکیم قدرت

واژ طریق را دیو کابل نیز با مطراق خاصی ایمن  
 دیدار هاتیلینگ سگر ددکه وضع روز بروز بهبود  
 سناد و بعضی از کشور ها و سازمان ملل یس  
 در صده افتاد تا کمک های در نظر بگیرند  
 امامت آسانه بروز و از سرگیری درگیر بهانشان  
 میدهد که وضعیت بر عکس است و در تمام زمینه ها  
 هر اندازه کفشار و کرداری که صورت می گیرد تمام  
 و کمال در راستای تحکیم قدرت انحصاری در کشور  
 است نه برای مصالح علیای کشور و همه مردم وطن  
 لذا با این وضع چندان امیدی از کمک های بیسن  
 المللی نیز در زمستان سخت و ناگوار کابل نداشته  
 باشیم و یقیناً " در زمستانی که پیشرو است اگر  
 مردم از اسب موشک و خمپاره نجات باید از ناحیه  
 فقر و تنگدستی، سردی و گر سنگی نجات نخواهند  
 یافت، از جانب دیگر انحصار طلبان و متعصبین  
 تاهنوز دست از همان خواسته های نامشروع و ناممکن  
 و انحصاری شان برنداشته اند و از ابعاد مختلفی  
 در تکاپو اند تا قدرت پوشالی شان را که حتی در محدود  
 پنجم متری قمر ریاست جمهوری سلطه ندارند  
 تحکیم و وسعت بخشند که این ارمان خواب است  
 و خیال است و جنون.

بر واضح است که پس از امضای آخیری  
 میثاق نامه در جلال آباد تاکنون در جهت صلح  
 و آرامش و ثبات کشور کاری از پیش نبرده، بلکه  
 کوشش در جهت تاءمین منافع شخصی و گروهی  
 خود انجام داده، گویا اینها فرزند این وطن  
 نیستند که اینهمه بی سروبی پادر تخریب  
 آن همت می کمارند و این ادعا را میتوان با ارزیابی  
 عملکرد شان طی این مدت ثابت نمود که توجه  
 خوانندگان گرامی را به نمونه های زیر جلب  
 مینمایم.

۱- آقای ربانی در جلال آباد تعهد داده  
 بود که تاریخ میزان سال ۱۳۷۲ زمینه انتخابات  
 عادلانه و آزاد برای بوجود آوردن قدرت سیاسی  
 آینده کشور فراهم نماید که بعد معلوم شد  
 نه تنها برای ایجاد فضای امنیت و ثبات و اجرای  
 تعهدش گامی برنداشته بلکه برای تحکیم  
 قدرت انحصاری و بقای ریاست جمهوری اش از هیچ  
 تلاش فروگذار نمیکند، حتی از جنگ افروزی و  
 پخش پول و سرمایه ملی و... شغ خود دریغ  
 نمیکند.

۲- لشکر کشی اسماعیل خان از هرات بسمت  
 غور، بادغیس، میمنه بمنظور خلع سلاح کردن  
 نیروهای سائرتنظیم های جهادی که در اثر  
 برخورد قاطع و دندان شکن نیروهای جنبش ملی  
 اسلامی شمال آرزوهایش بر باد رفت.

۳- جنگ های شدید در قندهار و هلمند که  
 بر همه گان روشن است.

۴- ایجاد درگیری و تعرضات بی شرمانه  
 اتحاد سیاف بطور پراکنده علیه مواضع حزب  
 وحدت اسلامی در غرب کابل که بحمدالله بموقع  
 سلی های محکمی توسط رزمندگان حزب وحدت  
 بگونه های شان نواخته شد.

۵- آغاز درگیری شدید در محدوده شمال  
 شرق کابل میان نیروهای آقای ربانی و مسعود سیاف  
 نیروهای آقای حکمتیار صاحب.

۶- تعرض و حمله بر نیروهای جنبش ملی

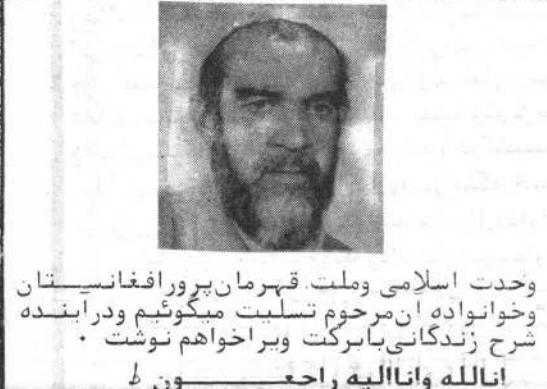
اسلامی در شیرخان بندر از سوی نیروهای مشترک  
 جمعیت واتحاد سیاف درکندز.  
 ۷- در برابر این شرارت هایکه صورت  
 گرفته آیاعلمی از اینها برای بهبود اوضاع انجام  
 شده؟ مسلم و یقین است که نشده و مجموعه  
 این حوادث و آنچه که مانع شدیم نشانگر آنست  
 که آقایان ربانی، مسعود و سیاف و... هر چه  
 میخواهند برای خود میخواهند، مردم غیور ما  
 باید بدانند که اینها خیر و صلاح ملت و مردم  
 و کشور را نمیخواهند. و همیشه اب را در اونگ زنگ  
 زده میگویند، درین میان حزب وحدت اسلامی  
 که همواره با اتخاذ موضع بسیار روشن دفاع از حق  
 و حقوق عامه مردم قرار دارد، خواهان رفع مخاصمات  
 از طریق مذاکرات سیاسی بوده تا در سایه صلح  
 و ثبات و امنیت زمینه يك انتخابات عادلانه  
 فراهم گردد و این خواسته در صورتی برآورده شود  
 که همه طرفهای درگیر هم دیگر را تحمل نموده و به  
 واقعیت های عینی تسلیم گردیده باشند و این  
 به ضایعات و تلفات سرمایه های ملی و اسلامی  
 ادامه ندهند که فردای تاریخ و نسل های آینده  
 بر آنها نفرین خواهند نمود.

## حجت الاسلام والمسلمین شیخزاده خراعی قندهاری به لقاء الله پیوست

اذامات العالم ثلثه فی الاسلام ثلثه لاسیدها  
 شتی.  
 در لحظاتی که نشریه طلوع وحدت آماده  
 چاپ بود، با کمال تاءثر و تاءسف باخبر شدیم که  
 حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمد حسین  
 شیخزاده خراعی (قندهاری) در عالم غربت  
 و در دیار هجرت در کوئته پاکستان رحلت نموده  
 به لقاء الله پیوست. ایشان عالم آگاه، سخنور  
 توانا و نویسنده چیره دست بود، با اینکه در  
 علوم دینی و اسلامی عالم متبحر بود، از علوم  
 دانشگاهی هم بهره کافی داشت و لیسانسه حقوق  
 بود، ایشان عمری با زبان، قدم و قلم جهاد کرد  
 و در جهاد مقدس افغانستان سهم موثری داشت  
 و در انقلاب اسلامی افغانستان خدماتی انجام داد  
 ایشان یکی از چهره های برجسته انقلاب و عضو  
 اصلی شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی  
 افغانستان بود، اب ضایعات بی گناه که به حزب

## بقیه از: سایه روشن های ار سرگذشت درویش علیخان مرد سیاسی وطن:

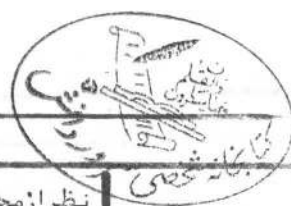
- ۱۰- همان کتاب - جلد اول صفحه ۳۳۹ و ۳۴۰
- ۱۱- همان کتاب جلد اول ص ۴۱۰ و ۴۱۱
- ۱۲- همان کتاب جلد دوم صفحه ۴۲ و ۴۳
- ۱۳- همان کتاب - جلد دوم
- ۱۴- همان کتاب - جلد دوم
- ۱۵- همان کتاب - جلد دوم
- ۱۶- همان کتاب جلد دوم ص ۱۰۸۴
- ۱۷- همان کتاب - جلد دوم
- ۱۸- همان کتاب - جلد دوم
- ۱۹- همان کتاب - جلد دوم
- ۲۰- همان کتاب - جلد دوم ص ۱۱۳۴ (سال ۷۸)
- ۲۱- خنطله نام متقدم ترین شاعر دری گسوی  
 یادغیس بود.  
 احتمال چنان است که بیکلری یکی بابنای قلیعه  
 نودرباد غیس با توجه به خاطره شاعر یادغیسی  
 نام پسر خود را خنطله گذاشته باشد و این امر  
 دلیل بر علاقه و اطلاع او به مفاخر ادبی نیرمی  
 باشد.
- ۲۲- تاریخ احمد شاهی جلد دوم ۱۱۴۱
- ۲۳- مجله آریانا شماره های ۳ و ۴ سال ۱۳۵۳ و -  
 شماره اول سال ۱۳۵۴
- ۲۴- با جستجوی بیشتر در لایب لای نوشته ها  
 و گذار شهابیتوان مطالب دیگری نبرد باره  
 درویش علی خان بدست آورد و در جمله رساله  
 قلمی میرزا ضایر آبادی را باید نام برد که در  
 کتاب تیمورشاه درانی جلد اول ۱۱۸ از آن سودبرده  
 شده است.



الف - افغانستان در مسیر تاریخ ۳۶۲  
 پایان

## پيام تبریک به استاد ارجمند دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان به مناسبت پیروزی صدر اعظم پاکستان

بسمه تعالی  
 فضیلتی ما با محترمه بی نظیر بوتو - رهبر حزب مردم و صدر اعظم کشور اسلامی پاکستان  
 بسیار خوشوقتم که بدین وسیله مراتب عمیق تبریکات و تمنیات دوستانه  
 خود و هیئت رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان را نسبت به پیروزی حزب مردم  
 پاکستان در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۳ - ابراز داشته و برای شما در امر خدمت بمردم  
 مسلمان و برادر پاکستان آرزوی موفقیت نمایم.  
 بدون تردید حاکمیت حزب مردم فصل نوینی در مناسبات دولت همگیست  
 و برادر پاکستان و افغانستان گشوده و در استحکام روابط میان حزب وحدت اسلامی  
 و حزب مردم نیز نقش مؤثری ایفا خواهد کرد.  
 واللہ ولی التوفیق  
 عبدالعلی (مزاری)  
 دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان  
 ۲۷، ۷، ۱۳۷۲ - کابل



# مرحمت یک تحول...

گرچه این ضرورت همیشگی بوده اما در روزگاری که ملت مادر اثر فشار و شکنجه های تاریخی بیک کلوله از (بخ) تبدیل شده بود وجود این ضرورت در درون جامعه چندان محسوس نبود و مردم صرفاً در پدیده ای میتوانستند با بدست آوردن رساله های عملیه از انسوی مرزها و جهان دیگر احتیاج خود را رفع سازند. ولی امروز که ملت شریف ما پس از سالبان درازی تحمل حرمانهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... به برکت انقلاب اسلامی از خواب سنگین و تحمیلی بیدار شده و به عبارت دیگر کلوله (بخ) در اثر حرارت گرم انقلاب تبدیل به فوران سیل خروشان گشته است و می رود تا حقوق های از دست رفته شان را بازیابد، این ضرورت بیشتر از هر زمان دیگر محسوس است که بدون موجودیت آن در درون جامعه، جامعه مانا قاصی خواهد بود و از نظر شرایط زمانی و مکانی رفع این احتیاج از مراجعی که در کشورهای دیگر قرار دارند خالی از مشکلات نیست، از سوی دیگر خوشبختانه ملت محروم تشیع افغانستان در طول دوران انقلاب استعداد های خدادادی شان را در هر زمینه بنمایش گذاشتند و ثابت کردند که مردان قدرتمند همه رشته ها هستند و بزرگترین حرکت های تاریخی و تحول های بنیادی و اجتماعی را در تمامی عرصه های فرهنگی سیاسی، نظامی رابدست آوردند.

اگر بدقت بنکریم، رشد بینش وحدت ملی و مذ هبی ارزشی است که ثمرات و برکات آن بر احد ملت مایوشیده نیست که بارزترین ثمره اتحاد و عظمت تشیع و اقتدار بین المللی آن است. همچنین رشد علمی و فرهنگی در جامعه و مردم مادر ابعاد گوناگون، امروز سیر تکاملی خود را بر سرعت می پیماید، جوانان و نیروهای هدف دار مادر فراگیری تفکر و اندیشه های نوین و تخصص بنک واقعیت عینی و محسوس است. این ادعا در کشورهای همجوار در دوران مهاجرت مردم ما به اثبات رسیده، بارها و بارها مسئولین تعلیم و تربیت اعتراف دارند که اکثر ممتازین مدارس دانشگاهها و حوزه های علمیه از همین ملت ستم دیده و تحقیر شده ما است.

طرح و ابتکار مرجعیت و پذیرفتن آن توسط فقیه مجاهد حضرت آیت الله العظمی محقق (کابلی) را میتوان در سه محور مورد بررسی قرار داد:

- ۱- انگیزه و آغاز حرکت مرجعیت
  - ۲- راههای تثبیت مرجعیت
  - ۳- ثمرات و برکات مرجعیت
- انگیزه و آغاز حرکت مرجعیت همانطوریکه میدانیم، مراجع بزرگوار و فقهاء عظام ایدم اله تعالی از پافت سیاسی و اجتماعی و مظلومیت مردم ما آگاهی کافی دارند و با توجه به تحولات سیاسی و نظامی غیر مترقبه که در کشوری اتفاق می افتد مسایلی را بمیان می آورد که در گذشته وجود نداشته، لذا در شرایط کنونی با اینکه مرجعیت از نظر اصول اعتقادی تشیع مرز جغرافیائی نمی شناسد اما با توجه به مرز پندیها و حصارهاییکه بوجود آمد، اگر جامعه ای بخواد نسبت به مسئله ای که برای شان عاید شده از مرجع شان که در کشور دیگری است فتوا بدست آورد اولاً رسیدن به مرجع شان مشکل است، دوماً چون مرجع مورد

ب: حمایت و پشتوانه مالی، در طول تاریخ حوزه های علمیه رجال و فقهای واجد شرایط افتاء و مرجعیت فراوان داشتیم، متأسفانه در اثر فقر اقتصادی در جهان تشیع و حوزه های علمیه مطرح نبودند، سرانجام انزال ناخواستگرا تحمل نمودند و در نتیجه پاسینه خروشان از علم فقاقت و فضایل انسانی به دیار ابدیت شتافتند با توجه به این نکته رسالت و مسئولیت طبقه ثروت و متمکن جامعه مامضاف میشود، ایمن عزیزان با کمکهای مالی و وجوهات شرعیه شان می توانند یکی از ارکان مرجعیت را تثبیت نمایند.

ج: اتکال به الله و توجه و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در این راستا از عرفا و مخلصین و انهاییکه در مرحله والای از خودساری و اخلاص و تکامل نفس و روحی رسیده اند بیشتر انتظار می رود تا پادعا و توسل به اهل بیت (ع) و ترسیم نمودن مظلومیت های ملت تشیع در نیمه های شب به پیشگاه اقدس الهی در تثبیت این حرکت سرنوشت ساز و تاریخی سرعت بخشند. مامعتقد هستیم با توجه و توسل و عنایات خاصه آقا ولی عصر امام زمان (عج) هیچگونه مشکلی در این مشروع مقدس وجود نخواهد داشت.

## ثمرات و برکات مرجعیت:

نخستین اثرش تحول و انقلاب فرهنگی در حوزه های علمیه است برادران روحانی توجه دارند طلبه های مادر در دوران تحصیل تا زمانی که به درس خارج نرسیده اند با شوق و علاقه خاصی درس میخوانند بعد از پایان دروس سطح در بحث خارج فقه اصول اکثراً شوق و علاقه شان کم و در یک کلام بعضیها بی خاصیت میشود زیرا باور شان آمده اولاً "ما مجتهد نمیشویم و ثانیاً اگر مجتهد شویم کسی از ما تقلید نمی کند، این روحیه بیاس و ناپاوری ما لاف قفر فرهنگی حوزه ها را بسازد ارمان میآورد ولی با تحکیم مرجعیت انگیزه اجتهاد برای فضلی مای پیدا میشود خیلی از طلبه های جوان ماکه فعلاً "قربیب الاجتهاد است از همین حالا کمر همت می بندند و در آینده نزدیک شاهد فقها واجد شرایط فتوا خواهیم بود انشالله.

## خونکفائی اقتصادی حوزه های علمیه:

عمده ترین مشکل جامعه روحانیت افغانستان ضعف اقتصادی بودند چه بسا استعداد های سرشار در اثر فقر اقتصادی بمرحله شکوفائی نرسیدند، فضلا و روحانیت مامیدانند در اثر حرمان اقتصادی جمعی از طلبه های مستعد و تشنه گان فقه و فرهنگ علوم آل محمد ص کوله بار هجرت را بستند راهی بعضی کشورهای همجوار شدند که امروز بعضی آنها از مهمترین ارکان حوزه های علمیه بحساب میآید ولی متأسفانه از ملیت شان اعراض نمودند بنا بر این ظهور مرجعیت در جامعه تشیع طبعاً یکی از برکاتش خونکفائی اقتصادی حوزه های علمیه خواهد بود.

و همچنین موفقیت در عرصه های سیاسی، نظامی مرجعیت مطمئن ترین ملجا و پناهاگه برای توده های مردمی است، با حضور و ظهور مرجعیت جنگ و صلح و سایر تحرکات و فعل و انفعالات اجتماعی و غیره تحت لوای فقیه جامع شرایط مشروعیت پیدا میکند، با تحکیم پایه های اجتهاد و فقاقت ملت شهید پرور ما با عقیده کامل میتواند قدم در صحنه های سیاسی، نظامی و اجتماعی بردارد، چون بهترین پشتوانه در روند تکامل جامعه مؤمن و ارمانی فتوای فقیه جامع شرایط است.

نظر از محل فاصله دار در تفهیم وقانع ساختن اوسه دشوار است، سومناً اگر چنانچه بخواد فتواهی هم صادر نماید در جهان معاصر دخالت در امور دیگران قلمداد میگردد، لذا با العکس اگر مرجع در داخل کشور خود مای وجود داشته باشد اولاً بسادگی و بی زودی ممکنه به اود دسترسی داریم، ثانیاً او خود در صحنه حضور دار دلزومی نیست تا ما جریانها را نقلی به اوتفهیم نمایم، ثالثاً "دخالست بیگانه قلمداد نمیکردد".

بنابراین ظهور مرجعیت در جامعه تشیع با وجود فقها، جامع شرایط یک ضرورت دینی و مذ هبی بنظر میرسد، از طرفی هم مرجعیت به مثابه زیر بنای حیات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و یکی از اصول مسلم حیات اجتماعی و یک رحمت الهی نسبت به جامعه تشیع بحساب میآید.



با توجه به این نیازها و ضرورت های سیاسی علما و روحانیت جامعه تشیع افغانستان بعد از رحلت آیت الله العظمی خویی به حضرت آیت الله فباضی ادام الله ظله پیشنهاد کردند که شما واجد شرایط افتاء و مرجعیت هستید معظم له روی جهات و مصالح که خود میدانند این رسالت را پذیرفت، که بعد از تشریف آوری حضرت آیت الله العظمی محقق (کابلی) پس از حادثه خونین افشاریه جمهوری اسلامی ایران، ملت آگاه و روحانیت عزیز ما خضی فضلی حوزه های علمیه مشهد، قم و درراس آنها شورای مدرسین حوزه علمیه مشهد این حرکت نوین را آغاز کردند. بالاخره بایک ابتکار و شهامت تاریخی برگ زرین دیگری در تاریخ درخشان روحانیت و حوزه های علمیه افغانستان افزوده شد، بدون تردید باید گفت پذیرفتن پار سنگین مرجعیت از طرف فقه مجاهد حضرت آیت الله العظمی محقق (کابلی) روزنه امیدی است برای آیندگان و نسل جوان روحانیت پس جاه دارد ملت و مردم ما از بنیان گذاران این حرکت مهم و تاریخی تقدیر و سپاس گذاری بعمل پیآورند، مامعتقد هستیم پرچمداران این تحول نوین و بنیادی در تاریخ تشیع خونین کشور جایگاه ویژه دارند.

**راههای تثبیت مرجعیت: الف - حضور فعال روحانیت در صحنه و زودودن فرهنگ تحمیلی ناپاوری در طول تاریخ، بیاس و نوا میدی بر علما و روحانیت** در زمان تلقین شده که از علمای ما مجتهد و مرجع تقلید نمیشود. آن تلقینات دشمنان بصورت یک سده این در برابر روحانیت و ایات عظام ماتجلی کرد، بنا بر این شکستن این سد های استعماری به همت والا و منطق رسای روحانیت و فضلی حوزه علمیه خواهد بود. بنظر میرسد نخستین رسالت را در مورد تثبیت مرجعیت علما، روشن فکران و اندیشمندان جامعه دارند که با قلم، بیان و تحلیل، ضرورت این مسئله را برای توده هاتبیین نمایند.



# گزارشی از ورود...

روز جمعه مورخ ۷/۸/۱۳۷۲ حضرت آیت الله شیخ محمد عیسی (خراسانی) نماینده حضرت آیت الله العظمی قریبانی محقق کابلی وارد شهر کویته پاکستان گردید و مورد استقبال گرم و پرهشور مردم مسلمان و قوم دوست کویته بلوچستان قرار گرفت.

مراسم استقبال که از سوی دفتر حزب وحدت اسلامی ترتیب داده شده بود بقبول شاهدان عینی این مراسم در نوع خود در کویته پاکستان بی نظیر بود، گذارش می افزاید که حدود ۱۳۰ الی ۱۵۰ ماشین و موتر مملو از مستقبلیین در محدوده فرودگاه کویته صف کشیدند جمعیت حاضر در میدان هواشی متشکل از علما، سران احزاب و سازمانها، موسفیدان و معززین قوم و مسئولین دفتر کویته حزب وحدت اسلامی و مردم شریف بودند که بعضی از مخلصین استاد لحظه بسه لحظه طرف ساعت و آسمان کبود نگاه میکردند تاچه موقع هوا پیمای حامل پیام اور مرجع تقلید شان در آسمان کویته ظاهر میشود.

درین میان برادر پیمان انانسر بر نامه با ایراد سخنان ارزنده و زیباییه جمعیه حاضر حال و هوای تازه ای بخشید، ایشان بیان داشتند "کشور عزیز ما افغانستان در طول تاریخ پرورشگاه علما، دانشمندان و روشنفکران متعهد و وطن دوست بوده است.

در گذشته های دور و تاریخی نوابغ و دانشمندان بزرگ در این آب و خاک پرورش یافته اند که بشیرت امروز اثرمه، علم و دانش آنان بهره می برند و نیز در هر زمان و شرایط پیشاپیش قیامهای اجتماعی و تحولات سیاسی علمای آگاه و دردمند و دانشمندان مومنه و قوم دوست در حرکت بوده و اساسی ترین نقش را ایفا نموده اند.

در سالهای نه چندان دور سید جمال الدین آن چهره تابناک و جلیل القدر و درخشان ترین ستاره شرق و آسمان کشور محبوب مادر خشید و امت اسلامی را در جهان نورانیت بخشید.

بلخی میله های زندان را با فرق کوبید و خم کرد اما راست قامت و پایدار باقی ماند و سرانجام مرگ سرخ و شرافت مند را در راستای نجات مردم از اسارت و بردگی بر زندگی ننگین و ذلت با ترجیح داد.

در آغازین روزهای رستاخیر مردم مادر بر ابر کودتیا چنان مژدور و ارتش تجاوزگروسی مبلینغ هافر یاراد و خروش آزادی سردادند و کلمات مقدس استقلال و آزادی و عدالت را در دیوارهای زندان فاشستان

و هزاره جات افغانستان نعمت های بی سبزرگ و تاریخی است که باید شکرانه این نعمات الهی را مردم جفا دیده ما بجا آورند و مادامی که پیغم پروردگار برای مردم ما هر چه بیشتر وحدت آگاهی خودشناسی و استقامت عطا فرما (آمین حضار)

علماء، دانشمندان و خدمت گذاران این قوم را بیش تر از پیش در جهت خدمت به این ملت ستم دیده توثیق عنایت فرما (آمین حضار)

آنگاه جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد محقق افشار مسئول دفتر کویته به ایراد سخن پرداخته، ابتدا تشریف اوری این عالم مجاهد را از طرف حزب وحدت و مردم هزاره و شیعیه کویته خیر مقدم گفته و از هم سوئی مردم قهرمان هزاره و شیعیه کویته سخنان میسوطی ایراد فرمود که بطور جداگانه در همین شماره بچاپ رسیده.

پس از آن آخرین سخنران این محفل استاد سخن، خطیب توانا و شهیر حضرت آیت الله خراسانی بود معظم له درین سخنرانی انگیزه های مسافرتش را به پاکستان بر شمرد.

استاد بعد از تقدیر و تشکر از احساسات پاک مردم و روحانیت فرمود من در این سفر سه انگیزه و هدف دارم ۱- پیام از اولین مرجع تقلید شما حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی و حوزه های علمیه ۲- دیدار و زیارت شما مردم غیور دین دوست و قوم دوست هزاره، استاد خراسانی در ادامه گفت شما مردم کویته غیرت و غرور ملی شما



برای کل هزاره های جهان الگو نمونه است بنازم این احساسات و غرور ملی شماره ۳ - انگیزه دیگرم اینست که مسافرتم را با ایام فاطمیه شهادت صدیقه کبری زهرای اطهر (س) همزمان کردم - پیشنهادی بشما مردم مومنه دارم و آن اینکه ایام شهادت ام الائمه را مثل عاشورای فرزندش حسین (ع) با برگزاری مراسم و نصب کردن پرچم های سیاه زنده نگهدارید، حضرت آیت الله خراسانی با ذکر مصیبت از شهادت مظلومانه زهرای اطهر سخنانش را به پایان رساند.

بعد از ختم مراسم آیت الله خراسانی با جمعی از همراهان بدعوت مسئولین حزب وحدت راهی دفتر شدند و در ضیافت نهاری که با افتخار تشریف اوری ایشان ترتیب داده شده بود شرکت کردند. معظم له طی مدت اقامت شان در کویته روزانه قبل از ظهر و بعد از ظهر در دفتر حزب وحدت ۱۰۰۰ با علما و روحانیت و شخصیت های علمی و سیاسی دید و بازدید داشتند و شبانه بنا بدعوت انجمن های اسلامی در تکایا و مساجد روی سه محور ایراد سخن فرمودند ۱- مرجعیت و برکات آن ۲- دست آوردهای حزب وحدت اسلامی ۳- و شخصیت بانوی دو جهان زهرای اطهر (س) و درین زمینه ها روشنگریهای مفصلی ارائه دادند.

نقاب دار و کمونست های اجیر بارنگ خون نقش کردند.

و در شرایط کسوفی بکانه فرزند عدالت، تنها پاسدار آزادی و تضمین گرو وحدت و یکپارچگی مردم آزاده و بیدار ما جناب استاد مزاری نیز یکتن از علما دردمند و مسئول کشور ما میباشد که بسا رهبریت آگاهانه شان برای مردم مظلوم، مستضعف و ستم دیده ما امید و افتخار آفریده است.

بانام مزاری دمن های مرد خیز هزاره جات عظمت و شکوهمندی خاص با دیده است مزاری تسکین بخش قلبهای محزون و شکسته ملت تنه او بی یاور ما گشته است و مزاری امید بزرگ است در قلب های کوچک و بیاک فرزندان شیر خواره ما.

حضار محترم! دانشمندان، علما و بزرگان قوم خدای بزرگ به اثر قطرات خون شهدای مظلوم و بخون خفته هزاره جات برای قوم منت گذاشته و نعمت های وصف ناشدنی و حیاتی اش را از انسی داشته است در شرایط حاضر وحدت و یکپارچگی و در راس آن رهبران آزاده و آگاه و نیز ظهور اولیین مرجع عالیقدر و مجتهد بزرگوار در جامعه تشیع

بالاخره ساعت ۴:۱۰ دقیقه هوا پیمای حامل استاد (خراسانی) بزمین نشست و حضرت آیت الله خراسانی از درب مخصوص در میان انبوه جمعیت وارد گردید و از سوی مردم باشعور و شغف زاید الوصفی مورد استقبال قرار گرفت و در مراجعت از فرودگاه بسوی محل تعیین شده ماشین حامل آیت الله خراسانی را با نظم و انضباط ویژه، موتور سکلتهای و موترهای دیگر اسکورت می کردند، فلمبرداران، عکاسان با شتاب و علاقه وصف ناپذیری از مراسم استقبال فلم و عکس و گزارش تهیه مینمودند.

در ساعت یازده و نیم در مسیر از قبل تعیین شده حضرت استاد به جایگاه اصلی (امام بارگاه ناچاری کویته) رسیدند جمعیت مشتاق دیدار معظم له یا شعارهای انقلابی تا جایگاه و برابردر قه کردند آنگاه جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای استادا خلاق بکولنکی که قبلا " برای تنظیم برنامه ها وارد کویته شده بودند حضرت آیت اله خراسانی را جمالا " برای جمعیت حاضر یادکر سه نمونه از ویژه گبهای ان استاد معرفی نمود.



# من سخرانی استا محقق اقا...

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على سيدنا  
ابي القاسم محمد ص الاثمه الهداه المعصومين  
قال الحكيم في كتابه .

## واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

قبل از اینکه مطالب بسیار فشرده و مختصری که در نظر است به عرض برسانم وظیفه میدانم از طرف نمایندگی حزب وحدت و حزب وحدت اسلامی افغانستان یکبار دیگر از برادران و عزیزان اعم از علما و دانشمندان ، بزرگان و محاسن سفیدان فضلا و طلاب حوزه علمیه و همه طبقاتی که در مراسم باشکوه استقبال مهمان عزیزمان آیت اله خراسانی شرکت کردند صمیمانه تشکر کنم و هكذا از کسانی که در طی این یک هفته مجالس برگزار کردند چه در شهر کوبته علمدار رود و چه در بروی هزاره تاون و از برادران تنظیم نسل نوه هزاره مغل که مجلس با عظمتی در مقر تشکیلات شان تشکیل دادند از همه و همه که به نحو از انحاء از این مهمان عزیز و کرامی استقبال کردند تشکر کنم ، مطالبی که میخواستم بعرض برسانم و متأسفانه وقت گنجایش آن را ندارد در باره کابل و اوضاع کابل است ، بنده دو هفته قبل کابل بودم ، سه هفته در کابل اقامت داشتم و از اوضاع کابل کوشش کردم برداشت های عینی و صحیح داشته باشم در جلسات شورای مرکزی حزب وحدت شرکت کردم و اهداف عالی حزب وحدت اسلامی را هم بدست دارم مطالب که باید فهرست و از اشاره کنم بخواهم یکی جنگهای که در کابل صورت گرفته و جنگهاییکه احتمالا " در کابل صورت خواهد گرفت ، اگر بخواهم اوضاع خراب شده شهر کابل از مناطق که دیدن کردم و اکثر جاهار ابا بایسکل راه رفتم مثنوی هفتاد من کاغذ میشود ، از همه بیشتر این نکته راکه در آن روز هم عرض کردم باید تذکر بدهم که مایه امید است برای ما ، من سالهای طولانی در کابل عمرم را در افشار سپری کردم بیشتر از بیست و دو سال در آنجا توطن و سکونت داشتم من ملت هزاره را و مردم شیعه را در آن زمان ازادی و ترقی کابل پزمرده ، افسرده و گرفته ملاحظه میکردم . ما نشاط نداشتیم ، ازادی نداشتیم ، و از نظر مذ هبی و قومی تحت فشار بودیم بنام اینکه هزاره هستیم و بعنوان اینکه شیعه هستیم در طول سالهای سلطنت ظاهر و ادوار همه حقوق سیاسی ، بودیم و در پست های عالی دولتی هم راه نداشتیم ما را ممنون می ساختند که گذاشته اند در شهر کابل بود باش کنیم ، خاطر هدی تلخ اجتماعی از آن دوره ، بظواهر ازادی و دموکراسی داریم ، من بخاطر دارم در اولین سالی که در کابل اقامت افکندم در سال ۱۳۳۶ شمسی یکنفر کوسفند فروش هزاره را در نقاش بجرم اینکه مهر گذاشته ، دست باز نماز خوانده بعنوان بت پرست در شاخه از درخت توت غرغره کردند ، حلق او بز نموند ، بالنگی که در سرداشت بدرخت او بز آن کردند ، کسی نبود که پرسش کند و سراغش برود ، در سالهای ۴۵ و ۴۶ بگ نفر بنام چیار ۶۰ تاجوان هزاره راکه برای کار در کابل می آمدند و نابلد بودند ، در گوشه و کنار کابل به قتل رساند روزیکه گرفتار شد تلاش می کردند که بعنوان اینکه این مرد دیوانه است اورانجات بدهند ( اگر دیوانه است چرا یکنفر غیر هزاره را نکشته " که پافشاریها و فداکار بهیای مرحوم حاج نادر علی الله داد و کیل ترکمن باعث

شد که او را در مجازات بی او برند و اعدام کنند و این قضیه است که صد نفر از آن اطلاع دارند خلاصه دوره های تلخ بود اما این مرتبه که رفتیم دیدم روحیه برادران بسیار عالی است ، صحیح است که کابل خراب شده است من با برادران گفتم این قصرهای خراب شده با ما مربوط نیست اقامتگاه ما آن خانه های گلین قلعه شاده و دشتت یرجی است که امروز می زند خراب میکنند فردا آبادش میکنیم ، اما آن قصرها و ویلا های که با ما مربوط نبود حتی ما را بخد متگاری اش هم نمی پذیرفتند از خرابی آنها ما چرا اینقدر حسرت داشته باشیم اما آنچه بود روحیه قوی ، روحیه عالی ، اعتقاد مردم به ازادی شان به ازادگی شان کابل و برانسه شده اقتعادی باقی نمانده تجارتی باقی نمانده بزرگترین صدمه را بزرگترین ضربه را مردم هزاره خورده برای اینکه هفتاد درصد بازار کابل در اختیار این قوم بودند اما امید جاده میوند را آتش زدند سراسر چند ادر را آتش زدند کوه سنگی را به آتش کشیدند ، مغازه ها و بازارچه ها را سوختاند و بران کردند ، اما این وضع مردم تصمیم گرفته اند در کابل باشند اصولا " ۶۰ درصد جامعه کابل را هزاره تشکیل میداد ولی امروز در کابل شما اکثریت مطلق می بیند مردم هزاره را - در آن خانه های کلی تمام اینها صوف زده اند زبر زمین کنده اند برای حفظ جان اهل و اولادشان مخصوصا " در اوقات بیکاری پنج - شش متری مقرر زمین را برای پناه گاه حفر کرده اند و درست کرده اند یعنی آماده اند که اگر شب و روز بر سر ما بمبارند ما از حفظ کابل دست بر نمیداریم ، ماراضی نمیشویم که ما از کابل برانند و اخراج کنند و کابل در اشغال دیگران باشند ، نه خوف از کرسنگی دارند نه هراس از برهنگی دارند ، وقت ایجاب نمیکند که خاطرات خود را در سه هفته کنه در کابل بودم به عرض برسانم ، من با جوان اخوندی بر خوردم از مردم بکه ولنگ با سم شیخ برات علی که سالها در افشار رفت و آمد داشت و در این اواخر سکونت پذیرفته بود هشت تاجوان از فامیلیش را در افشار از دست داده است ، دوتا ماد جوان اش و سه تاپسر عموبیش را که برادر هم بودند این هارای غمناکیهای سیاف از افشار اسیر کرده بودند مطلع میشوید که یکی از برادران را به راکت اربی جی هفت میزند بلکه و پاره میکنند ، برادر دیگر اشک می ریزد میگویند این برادرش است است اورا هم برگیار کلاش بستند و سوراخ سوراخ کردند برادر سوم را هم پیدا کردید از روی چشم هر دو برادر تیر باران کردند ، بعضی اسرا که فرار کرده بودند و این حادثه را بچشم دیده بود برای شیخ برات خبر داده بود این آگاهشت تاجوان را از دست داده از مردم بامیان و بکولنگ است الان هم سرپرست پنج یاشش خوانوار فقط این یکنفر است اومیگفت من هراس ندارم و باک هم ندارم به شهادت شهادت افتخار میکنم برای اینکه حق ما بدست می آید برای اینکه ما از از زندگی کنیم ، آنها همه درک کرده اند جنگ های کابل برای بردن و راندن هزاره و برای و راندن ملت شیعه از کابل آغاز شد در جنگ های پار سال تمام گروهها شرکت داشتند فقط حزب وحدت با همکاری برادران حرکت یگطرف هم اتحاد سیاف ، وهم شورای نظار مسعود وهم گروه های دیگر افراد همه ، مناطق از غرنی تا قندهار اینها همه شرکت داشتند برای اینکه هزاره ها را از کابل بیرون کنند ، یازده تیرا جنگ در همین راستا بر ملت ماتحمیل شد اما این ملت قهرمانانه ، با غرور و افتخار در سنگرهای شان استقرار داشتند ، مسلمانا " حزب وحدت جنگ

طلب نبود ، اسباب و وسایل و قدرت جنگی هم مثل دیگران نداشت . در چهارده سال انقلاب به حزب وحدت کمک نشد ، دیگران از کمک هائی که دریافت کرده اند انبارهای اسلحه و مهمات ذخیره کرده بودند ، اما جنگ را تحمیل کردند ، مخصوصا " در جنگ اخیر که آن فتح الفتوح است در آن جنگ از ده مزنگ ( که برادران کابل رفته اطلاع دارند ) تا اول ریشخور و منطقه دارا لمان و قصر تاریخی دارا لمان تا کوه مرتفع و تپه های بلند شروع در اختیار و تصرف حزب وحدت قرار گرفته از مقرر وزارت دفاع مسعود چهل و پنج تانک غول پیکر رابه غنیمت گرفته ، از یک پایگاه دیگر پنج هزار قبضه کلاشکوف رابه غنیمت گرفتند ، تعداد شهدا بسیار کم بود که هفت نفر شهید داشتند و کمتر از صد نفر زخمی دادند اما منطقه گسترده را معجزات شرفیافت کردند که وسعت منطقه کسانی که در کابل بوده اند میدانند از ده مزنگ تا بلندیهای کوه قروغ و قصر معروف دارا لمان و تپه تاج بیگ که الان مقر حزب وحدت است و مقر جلسات شورای مرکزی حزب وحدت یکسوری چشم دشمنان در آن قصر تشکیل میگردد و با این وضع استاده اند استقامت دارند تا آخرین لحظه که حقوق این ملت بدست بیاید استاده اند ما بر میخوریم بچه های دوازده ساله در سنگرها پشت تانکها موضع گرفته آخرین هادر کوهام دانشکده و کالج درس خواندن از کجا استعمال تانک را بلد شدند و به کاربردن اسلحه های پیچیده و پیشرفته را آموختن در آن روز سه صد نفر از بامیان و یکصد نفر از سمت مزار شریف بکمک سنگر نشینان در کابل آمدند تا کسانی که خسته شده اند جابجایی کنند و کوه سنگی در خط مقدم که با سنگرهای سیاف شاید کمتر از ۵۰ قدم فاصله داشتند با یکی از بچه ها گفتم چه میشود که برادرهای مزار بیاید اینجا و شما مدتی استراحت کنید ، گفتند نه ما جای خود رابه هیچکس نمیدهیم تا دقیقه که پیروز شویم یعنی تا وقتی که در کابل امنیت برقرار شود و حقوق ما را بدست بگیریم مخصوصا در این روزها که قانون اساسی موقت به اشرف سیاف نوشته اند که در آن نوشته اند از طرف دولت مذ هب رسمی حنفی باشد و ورعیس جمهور باید حنفی مذ هب باشد که این پیشنهاد شدت تمام از طرف حزب وحدت رد شد که ما جزر سمیت مذ هب شیعه چیز دیگر نمی پذیریم باید ما هم سهم در تمام پست ها داشته باشیم ما قبول نداریم که اینجان نوشته بشود که باید ورعیس جمهور فلانی باشد - بهر قسم من چیزی را انجام داده کردم واقعا " برای من غرور افرید ، اما پیام شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و دبیر کل حزب وحدت اسلامی برای برادران و خواهران کوبته دادند و کتبا " هم ارسال کردند وحدت برادران را خواهان هستند ، آنها رضایت به تشمت برادران کوبته ندارند ، باینکه معتقدند هزاره کوبته پیشاهنگ هزاره ها است ، هوشیارترین هزاره ها است ، پیام و خواست شان این است که برادرهای هزاره کوبته وحدت و هماهنگی داشته باشند و مطلب دیگر که باعث دلگرمی و پشت گرمی برادران ما بود چه در شورای مرکزی و چه در بین سنگر نشینان حمایت بیدریغ است که هزاره ها در سطح جهان از حزب وحدت نموده است چه کوبته پاکستان ، مهاجرین در ایران ، برادران مهاجر در اروپا و امریکا و همه جای دنیا و مالک



# مسئولیت پذیری ...

جامعه انسانیت را بزندگی برادرانه و مبتنی بر عدالت اجتماعی و حاکمیت ارزشهای والای انسانی راهنمایی و هدایت نموده، دشمنان اسلام و سرمداران کفر، با شیوه های گوناگون، در صدد برآمدن تا در برابر امواج متلاطم و خروشان اسلام خواهی ورشد و گسترش روزافزون آن سدی ایجاد نموده و قدرت و موقعیت اجتماعی و سیاسی خویش را حفظ نمایند.

بر این اساس، جهانخواران و غارتگران بین المللی و دشمنان دیرینه اسلام و مسلمین هر روز، علاوه بر قتل و کشتار دسته جمعی، تجاوز و لشکرکشی، چپاول و غارتگری و ایجاد جنگهای خونین قومی و طبایفه ای و درگیریهای نژادی و مذهبی، در گوشه گوشه ای دنیا با تبلیغات بی وقفه، از طریق رسانه های مختلف و وسایط ارتباط جمعی و استخدام هزاران مبلغ وابسته و مزدور تلاش کرده اند که در قدم اول روحیه مسئولیت پذیری و احساس همدردی و انگیزه انجام وظایف الهی و رسالت اجتماعی را در مسلمین و جامعه اسلامی سلب کرده و با جدا کردن کمربند سازند.

این امر، بنوبه خود فساد و عیاشی، بی بند و باری و بی دینی و در بیک جمله فرهنگ راحت طلبی و گوشه نشینی را ترویج نموده و ارزشهای مسئول و دلسوز، مؤمن و متعهد، مبارز و سازش ناپذیر و همدرد و مسلکی، موجود بی تفاوت و تماشاچی نسبت به حوادث و تحولات اجتماعی را خواهد آورد.

بدون شك، اشاعه فساد و بی دینی و ترویج فرهنگ راحت طلبی و گوشه نشینی در جامعه اسلامی و عدم درک رسالت و مسئولیت اجتماعی و انسانی و نداشتن روحیه همدردی در میان انسان زمینه ای تسلط و حکمفرمایی استعمارگران و دشمنان قسم خورده اسلام و ایادی وابسته به آنان را در کشورهای اسلامی فراهم کرده و روز بروز سبب تضعیف و شکست مسلمین و تقویت و پیروزی کفار و همبیمانان آنان خواهد گردید.

استعمارگران با این سیاست شوم و توطئه خطرناک، توانستند عظمت اسلام و مسلمین را در هم شکسته، استقلال و آزادی و حاکمیت ملی و اسلامی شان را بزیجه دست خویش قرار داده و کشورهای اسلامی را بزنجر اسارت و یوغ بردگی کشانده و همانند لقمه ای آماده، در کام خود فرو بردند.

هم اکنون نیز دستهای پیداوپنهنشان استکبار جهانی در تمام تحولات و کشمکشهای سیاسی و درگیریهای خونین نظامی و بیخاک و خون کشیدن هزاران انسان مظلوم و بی دفاع در کشورهای های لبنان، فلسطین، مصر، عراق، الجزایر، بوسنی هرزگووین، کشمیر، پاکستان، افغانستان و سایر کشورهای آسیای میانه و تازه استقلال یافته، بطور قطع وجود داشته و سرزمینهای اسلامی را از طریق تجاوز و تعدی و ایجاد جنگهای داخلی گروهی، طایفوی، نژادی و مذهبی به ویرانی و تباهی کشانند.

لذا با همه گرفتاریها و بدبختیهای حاکم بر کشورهای و ملت های دنیا، تنها چیزی که امروز جوامع اسلامی را از فساد و بدبختی، استبداد

و بی عدالتی و ذلت و در بدری نجات داده و سعادت و خوشبختی، عزت و سر بلندی و استقلال و آزادی - آنان را توأم با حاکمیت ملی و اسلامی در کشورها و بلاد اسلامی به ارمغان خواهد آورد و توجه و بازگشت به اسلام واقعی و حقیقی و بی روی از دستورات و تعالیم نجات بخش قرآن عظیم الشان میباشد.

مادر این قسمت برای حل مشکلات و گرفتاریها و از بین رفتن نابسامانیهای اجتماعی موجود در جامعه اسلامی و جلوگیری از نفوذ روزافزون استکبار جهانی در میان آنان و لازم دیدیم که نکاتی را بطور مختصر ذکر نماییم.

**۱- توجه به قرآن و تبعیت از دستورات آن پیامبر بزرگوار اسلام (ص) میفرماید "أذاللتبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فلیکم به بالقرآن فانه شافع، شفع و ما حل صدق و من جعله امامه قاده الی الجنة و من جعله خلفه ساقه الی النار"** یعنی وقتیکه فتنه ها و گرفتاریها بشما رواورد و همانند شب ظلمانی گرفتار نرج و بلا شدید برای رهایی از بلا هابه قرآن متمسک شوید و به دستورات آن عمل نمائید که قرآن شفاعت میکند و شفاعت شما پذیرفته میشود و نفرین میکند و نفرین او نیز پذیرفته میشود (۱)

هر کس قرآن را سرمشق زندگی اش قرار بدهد بهشت وی از همانجا شروع میشود تا به بهشت آخرت برسد و نیز هر کس بقرآن عمل نکرده و پشت به قرآن نماید جهنمش از همانجا شروع شده تا به جهنم آخرت برسد.

باتوجه به اعتقاد کامل به این اصل اساسی که: تمام مسایل و اموری که به سعادت و خوشبختی جامعه بشریت، در دنیا و آخرت بستگی داشته و نیاز مندیهای اساسی و اصولی آنان در تمام مراحل زندگی محسوب میگردد، در آن مجید بیان شده است، چنانچه خداوند به پیامبر اکرم ص میفرماید "وانزلنا علیک الکتاب تبیان للکل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین" ما کتابی که بر تو نازل کردیم بیانگر و بیان کننده همه چیز است و این کتاب مقدس کتاب هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانهاست و چنانچه پیروان قرآن و مسلمانان جهان به این کتاب انسان ساز و دستور حیات بخش آن عمل نمایند به شاهره سعادت و خوشبختی نایل گشته و از تاریکیهای ظلم و ستم و بی عدالتی و بی عدالتگری شفاقت و بید بختی و فساد و بی عدالتی نجات یافته و به نور ایمان، حق و حقیقت و صراط مستقیم هدایت میشوند. (۲)

**قد جاتکم من الله و کتاب مبین ینهدی به الله من التبع رضوانه سبل السلام و یخرجنهم من الظلمات الی النور یاذنه و ینهدیهم الی صراط مستقیم. (۳)**

به این ترتیب، باید گفت: اسلام یگانه مکتبی است که پیروان خویش را بوظایف انسانی و الهی اش بطور کابل شناساخته و شیوه برخورد عملی شان را در برابر خالق و خدایش و همچنین خود و دیگران (جامعه) بعنوان کاملترین و جامع ترین دین، در میان تمام ادیان و مکاتب گذشته مشخص کرده و رسالت سنگین امت اسلامی را بیان میکند.

بعبارت دیگر: دین مقدس اسلام روحیه مسئولیت پذیری و انجام وظایف محوله

را در قالب مسئولیتهای فردی، عیودی، اجتماعی و خانوادگی برای انسانهای مؤمن و خدا شناس از طریق جعل قوانین و مقررات سازنده و اصول اخلاقی یا لایحه سکوت و سکون، بی تفاوتی و گوشه نشینی آنان را در برابر تحولات حاکم بر جامعه خصوصاً "در شرایطی که خود سری و ستمگری، بی عدالتی و بی بندوباری دیگران، تبدیل به طبقه مظلوم و مظلوم و حاکم و محکوم گردد جرم بزرگ و ناخوشوینی میدانند."

**۲- مسئولیت پذیری از نظر قرآن**  
قرآن کریم خطاب به جامعه اسلامی میفرماید:  
**و کذالک جعلناکم امه و ساطالتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیدا، شمار امتی قرار دادیم تا بر مردم گواه و شاهد باشید و پیامبر نیز بر شما گواه باشد (۴)**

بدون تردید از ظاهرایه مبارکه استفاده می شود که: باتوجه به عنایت خاصی که خداوند بزرگ به پیروان مکتب اسلام داشته است آنان را جهت انجام مسئولیتهای اجتماعی و نحوه مسئولیت پذیری، سرمشق و الگوی جامعه بشریت قرار داده است تا انسانهای سرگردان و گرفتار دروادی جهل و ضلالت، از امت اسلامی بعنوان جامعه نمونه و ایده آل در نحوه انجام رسالت انسانی و وظایف اجتماعی پیروی نمایند و رسول گرامی اسلام (ص) نیز سرمشق و الگوی عملی امت اسلامی است.

خداوند در جای دیگری از قرآن عظیم و ثقیفه مسلمانها را چنین بیان میکند:

**کنتم خیر امه اخرجت للناس تا مرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و ترون منون بالله، از میان امت های گذشته، شما بهترین آنها هستید، بدلیل اینکه هم دیگر راه کارهای نیک و شایسته ترویج و تشویق می کنید (امر بمعروف و از افعال زشت و ناپسند و زشت بازمی دارید (نهی از منکر) و بخدا ایمان آورده اید. (۵)**

**ولکن منکه امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون.** باید از شما کسانی باشند که مردم را دعوت بسوی خیر نموده و بکارهای شایسته امر و از کارهای رشت و ناشایسته نهی نمایند چنانچه امت اسلامی به این امر مهم و حیاتی (نظارت عمومی و ملی) جامه عمل ببوشاند از گروه رستگاران و شایستگانند (۶)

**۳- سفارش پیامبر اکرم (ص) به امور مسلمین.**  
پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره رسالت و مسئولیت یک انسان مسلمان در جامعه اسلامی چنین میفرماید:

من اصبح ولم ینهم بامور المسلمین فلیس بمسلم هر کس که صبح کند و سعی و تلاش و اهتمام بامور مسلمانها نداشته باشد، مسلمان نیست (۱۷)

من سمع و جلینادی باللمسلمین فلم یجیبه فلیس بمسلم، اگر مسلمان، ناله و فریاد مظلومی را بشنود که مسلمانها را بجهت رهایی از ظلم و ستم، بکمک و یاری خویش طلب نماید، اگر مسلمانها او را یاری و کمک نکند چنین افرادی از زمره اسلام خارج بوده و مسلمان گفته نمیشود (۸)

**قال رسول الله (ص) کلکم راع و کلکم علی مسئول فالامام راع و مر مسئول و المرء راع علی**

# مقن سخراي حضرت آيت الله (خراساني) در كويت

۱۴ آذر ۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله الحكيم في كتابه الكريم ، ان الله لا يغير ما بقوم ، حتى يغيروا ما بانفسهم .

(قرآن كريم)

بادر و ديروان پاك همه ، انبيا ، مرسلين و شهداي صالحين و مجاهدين و رهبران درگذشته انقلاب هاي انساني و اسلامي بالاخص پروان پاك آخريين مردانقلاب اسلامي جهان اسلام و جهان انسان حضرت امام خميني (ره) و پادرو به حضار محترم بالاخص به علمای اعلام و اساتيد عظام و محصلين گرام و سرداران عظام و همه شخصيت هاي ملت و مردم ما و روشنفكران عرض م رادر زمينه تحول بنيادي مجتمعا و توده هاي انساني شروع ميكنم ، اگر بخواهييم ياهر ملتي و مردمی بخواهد كه در خوريك تغيير ويك تحول ريشه يي و اساسي پديد آورد اين تحول و تغيير فراگير و ريشه اي و اساسي از چند راه و يا از چند عامل است كه اين راهها با علل و عوامل براي يك تحول فراگير و ريشه و اساسي در هر توده و مجتمع ناگذير است چاره ، نيست جز اينكه از همين عوامل براي همه شكستها مانند گيها و تاخرها استفاده كند و بر همه پديده ها و ظواهر حاكم مجتمع كه دچار شكستها و تخلف ها است تخلف كند و از اين عوامل استفاده كند نخستين و اولين عامل تغيير و تحول و تغلب و مسلط شدن بر شكستها و عقب ماندگيها ، اولين عامل اتحاد كلمه است ، وحدت اقشار مختلف يك ملت ويك توده است ، اما اينكه وحدت كلمه و وحدت صف و هماهنگي همه افراد يك مجتمع ميتواند بر هر مشكل خود فايق آيد و معضله اي را - ولودريك روزگار ممتدي حل كند ، بعبارت روشن تر با وحدت كلمه همه معضلات اجتماعي و شكست هاي توده ها و تخلف و تاخرها را پاياني است و هر اندازه بزرگ و بيشتر وحدت خود رافشده تر كند و هر اندازه كه زود تر دست به اين عامل سازنده بزنند ، بهمين نسبت زودتر ميتوانند بر مشكلات خود تغلب كنند و تاريخ اينده و همه شكستها را جبران كنند و وفق سعادت را بر خود طالع سازند ، خورشيد سعادت تابان ان ملت ميگردد ، در اينجا دو سوال اساسي است يگ عامل وحدت چه است؟ - دوم - وحدت يك ملت ويك جمعيت از كجا شروع ميشود چه اسباب و علل دارد؟ سوال دوم - اين است كه با وحدت چه اعجازي بوجود آيد كه مشكل كه سال عميق و ريشه دار را مي تواند از ريشه و بن بر كند ، جواب سوال دوم كه چرا وحدت كلمه معجزه ساز سعادت و ترقيست و تعالي بيشرفت ، عزت و كرامت ملت است اما اينكه وحدت اعجاز سعادت است براي آن است كه با وحدت كلمه از تخصص هر متخصصي استفاده ميشود ، اگر مجتمع منقسم است متفرق است هر عضوي بگوشه اي كارش را شروع ميكند با وصف اينكه بازوي هم بگيرند پشتوانه هم باشند ميشود از تخصص هر متخصصي استفاده كرد در يك مجتمع متحد و متفق و برابر گونه تخصص ، متخصص ضايع نميشود ، يگ سردار كارگشته ، يك استاد حاذق ماهريك قهرمان صفت مثلا ضايع نميشود صفت اش ، فرهنگش ، تحفظش مورد انتفاع ، اجتماع ميشود ، زير اعاملی كه او را ضايع كند لغوش بسازد در توده پيدا نميشود ، مجتمع وجود ندارد همين طور از ثروت هر ثروتمند استفاده و بهره كاملا

ميشود و همچنين از صفت و علم و تمام مزاياي اجتماعي در هر قشر و در هر فرد مورد انتفاع ميشود و از كار هر كارگري بهره وافي برده ميشود ، اينجا است كه اين مجتمع در اثر گرفتن بازوي هم يگ جسد واحد نيرومند و پيرتوان ميشود ، هر دستي به جانب او دراز نميشود ، حسابش را ميكند ، عاقبت سنگينش را مطالعه ميكند و اگر هم دراز شود کوتاه ميگردد ، دهها شواهد تاريخي براي اين حقيقت است ، يگ نمونه همين كنار ما وحدت ملت و مردم مانه امروز بنام حزب وحدت اسلامي ياد ميشود زيرا كه الان در حقيقت حزب وحدت اسلامي بعنوان حزب و گروه نيست ، حزب وحدت يعني تمام هزاره هاي جهان اسلام و تشيع تابع هر كسوري ، ايران با شد با پاكستان و افغانی در عربستان و ديگر ۰۰۰ حزب وحدت يعني توده ملت هزاره در هر گوشه جهان ولي همه وقت شرور و تخلفي بوده است و آنها هم اميدواريم با عنايت الهي يدامن ملت و مردمش به سرداري ، سردار ريشه ملت و مردم ما و مفكر بزرگ ما و ۰۰۰ پشتوانه اعمال ما يگانه استوانه و اميد ملت و مردم ما سردار زرشيد حجت الاسلام استاد مژاري مد عزه الشريفي ديديم تخلفها ، شكست ها ، عقب ماندگيها كه در ملت هزاره و يكشور افغانستان پودا همان ديديم حرمان ، فقدان ، همان ضعف و فقر تحميلي ، همان



انتعزال تحميلي ، همان ضعف فرهنگ تحميلي همان حساب نياوردن و داشتن از حقوق سياسي حقوق فرهنگي ، حقوق اجتماعي در روزگار طولاني از همان عقیده ها برداشت و پندارها را خواستند همان حرمان ، همان ضعف ، همان استبداد و غير اينها را بر اين مردم تحميل كند و تا آخرين قدرت سعي شان را كردند تا به اينجا كه تصميم گرفتند ديگر مردم و ملت ما را در قطب مركزي محور اصلي اين كشور شهر كابل راه ندهند ، دليل يگ - اگر واقعا " اين تصميم را نداشتند و به اين نيت نبودند كه اين مركز را از عناصر هزاره خالي كنند اول " اينها چه كاري به اقتصاد اين ملت و مردم داشتند ، آنچه را كه سوزاندند آن خانه ها نيكيه خراب كردند ، امواليكه ربودند و غارت كردند حضرت حجت الاسلام فاضل عاليقدر اقا ي عرفاني مد عزه العالی برای من چنين صحبت كردند وقت بازگشتش به قم از افغانستان و كويته شريف شما گفت اينها كاميونها و ماشين هاي زيادي آوردن در مغازه ها و شركت ها اين را بار مي زدند تا جايي كه جاريو مي كردند و كز دند ، بار زدند و بردند خوب اين در عين حال يگ سبب ويگ وسيله براي اينكه اينها را از اينجا بيرون كنند و قتيكه در منطقه اقتصاد يگ منطقه در هم كوبيده شود ، ديگر جاي براي زدگي نيماند ، سرمايه دار سرمايه اش بهيم مي خورد كارگر كسب روزانه براي روزمره ان و بچس خود راندارد ، اين دو هم كويدن اقتصاد كه اينها را كه ساكن اينجا باند رخت بر بنديد و اين چيزي نيست كه مانفهميم باهرا انسان ديگري كه حر كات ملت ه مردم ها و انسانها را به تجزيه و تحليل ميكشد ، اين يگ : گفتم گرسنه بودي انسان

گرسنه صلاح زانديست گرفتن ، قدرت داري از ملت فراموش از انسانيت فراموش از فرزند و كوشور فراموش از مدنيت و ديانت و مذ هب فراموش ، گرگ گرسنه روياي پير گرسنه دنبال حيله و تدبير است ، اگر سرمايه را چون گرگ گرسنه دور از همه فضائل و مكار اخلاق بروي ، اما خانه ها را چرا ويران ميكني ؟ هزار هاموشك روي خانه هاي مسكوني اين چه معنسي دارد ؟ اين چه پيام ميدهد ؟ مردم ما بيدار است مردم ما امروز بر ترانان است كه شما ان فرهنگ را تحميل كنيد و به گوشه ها فرار شان دهيد ، همه راههاي ترقي و بيشرفت را بر آنها ببنديد گذشت ان روزگار ، امروز با حمل سلاح نسل جوان ما ، فرزندانشيد و غيور ملت و مردم هزاره ، ما ديگر به اين سفاكي ها و بي باكيها اجازه نميدهند ، نسل جوان چشم ملت و مردم شما ، شما نسل جوان است ، درود برياز وان توانمند شما ، دندان اين جنابيت كاران را بشكن ، اين خواب هاي خوش را خواب پریشان مبدل كن ، انچنان كه كردي ، درود حق پشتوانه تو ، توجهات ولي عصر امام زمان بدرقه تو ، جوان غيور هزاره بر شمار روزگاري بود اينچنين شرايط زندگي را تحميل كردند ، سرداران شما بيدار است مفكرين شما هوشيار است ، ثروتمندان شما پشتوانه شماست ، فرزند ان تحيب هزاره در كشور هاي ديگر جهان همه پشتوانه شماست ، غيور مرداني كه كمربسته ايد استوار و پايدار باشيد اين خواب را تا قيامت نخواهد عينيت اش را ببيند ملت و مردم ما از منطقه و قطب مركزي كشور بيرون برانيد ، گرچه توان نيست خبيث راداري - سرمايه ها غارت كردي ، گفتم گرگ گرسنه اي من نميفهمم و هر مفكري نميتواند از روزم اين عمل را كه خانه ها را ويران ميكنند ، زير موشكها فرزند ان صغير و ضعيف پيروان و افتاده گان را زير خمپاره ها ، زير اوراها و خرابه ها دفن ميكنند - ۳ - اينها اين نيت شوم را دارند اگر گويم جناب ربانسي و پادديگري شما ميديد و منطقه را گرفتيد ، حشقي داشتيد سلي بصورت سربازان ما بزنيد چسبون در مقابل شما حمل سلاح كرده بودند ، اما كشتن زن ، فرزند ان ضعيف ، طفلان و ۰۰۰ يعني چه ؟ ما نميفهميم ؟ در وقتي كه دارند مهاجرين از كشور هاي خارجي كه در اثر هجوم ابر قدرت شرق ، اين سفاك بي باك خانه هاي شان را براي نجات جان شان فرزند ان و كودكان شان مهاجرت كرده بودند و دوباره برمي گشتند چه جنايتي كرديد ؟ و ۰۰۰ اداره كشور هاي مجاور اسلامي خصوصا " كشتن اسلامي پاكستان و ايران واقعا " همينجا جادار دكه از زمان همه ملت و مردم هزاره و از حكومت و ملت عزيز پاكستان ، تشكر شود ، اميدوارم مردم و ملت مسلمان پاكستان زنده و جاويد باشد ، همانطور يگ قائد اعظم وعده ياد كنه نايگاه و ينها گاه هر مهاجر ضعيفي ، مستمندی اسلامي است ، حقا تجر بده اين حكومت و ملت جاويد پاكستان به شعار قناعت نكرديه عمل شاهد و بينه ارائه دادی ، اقامه كردي استحقاق عظمت و بزرگي خود را اينما كشور هاي جهان و كشور هاي اسلامي به برهان و دليل و شاهد ثابت كردي .

و همينطور است كشور عزيز ايران اين پناهگاه مردمان مسلمان اين نيز در مدت ۱۴ سال يگ مهماني واقعا قابل توجه و تقدير است ، هر چه مهاجرين مادر وقت بيرون شدن گاهي شكابت هاي داشتند اما ما مسلمانان پاسخش را براي مردم گفتيم و اينجا نيز اشاره ميكنم حكومت اسلامي ايران امروز مورد هجوم تمام اين قدرتهاست ، جهان الان كه يگ پديده نوين ويگ



نظام انسانی و یک نظام سعادت بخش اسلامی را در ایران دیده اند تحولش و تغییرش فراگیر و سراسری شد، تمام حکومت های پویشالی احساس ضعف میکنند و خود می ترسند و می هراسند، این پدیده به آن نحوهاکه تبلیغ میشود هیچگونه حقیقتی ندارند، اولاً " برای اینکه ۱۴ سال انهمه استقبال و مهمان نوازی درست و منطقی جانی تقدیر و شاهد بزرگ بر حسن نیت است که میتوانیست هر لحظه منفجر بشود، این ابرقدرتها؛ ایمن مخالفین داخلی و خارجی سعی دارند با تبلیغات گسترده بیافزایند و در انجا هم همینها بند، زیر پرده و نقاب چهره اسلامی، این خرابکاری هارامی کنند، یگملمتی را با این گسترده گری در شهر ستانهای ایران بایک جهان از مهربانی در اغوش خود گرفتند اکنون جریبی منطقی میکنند با مسئول نادان یا قریب خورده، بیدست های پنهانی به لباس سنگ انسان مسلمان مسئول دار تحت این لباس صحیح نیشش رایه جمهوری اسلامی ایران میزند، این واقعیت است از این کشور عزیز مرتضی علی (ع) هر متفکر مطالعه کننده، سوانح درک میکند چنان جو زعب و ارباب خلق کردید که سکنه فرار کنند مهاجرین یادش نکنند که انجا بر گردند با سر بار سر و کار دارید سینه اش را خمپاره می زنید دست برسد با کلاشنکوف می زنی کلوله باران میکنی اما تیریه کام یک کودک گذاشتن، سربک زن را بریدن پستان او را قطع کردن چه پیامی دارد؟ یعنی بروید جای شما اینجان نیست، ما ابر قدرت شرق را بیرون کردیم شما را هم همچین راه نمیدهیم، این پیامی است، اینجا اشتباه میکنی غلط می روی حساب غلط کرده ای، آن دو صد سال که بازور و تحمیل و استبداد و تفرعن و ستمگر بر ملت، ماروزگاری منرووی غارت کردی و تو امیسان رایه عوض مالیات گرفتید هزاره ها فلاکت وید بختی تاسدی کردید، خیال نکن

امروز، آن روز است، من همانطوریکه از روزگار قدیم پیام داده ام همان پیام را دوباره عرض میکنم سربازان غیور، سرداران رشید ملت مادر هر کجا چه در کوئته پاکستان عزیز چه در ایران، چه در سائر کشورها ملت هزاره دنبال شما هستن تا آخرین رگی که بچند، تا آخرین خونی در شریانهایشان وجود داشته باشند مضایقه نکنند، چون دستی و استوانه و پشتوانه برای شما باشند ما امیدواریم ارمان ملت ما را در حقوق ملت ما را آزادی ما و مذهب ما بملت و مکتب ما سربازان غیور، سرداران رشید حجت الاسلام مزاری، ارمان ما را زنده بدارید حسینیه ها، کتابخانه ها، مکتب ها، آینده مارشد فرهنگ ما و مذهب ما را زنده بدارید، اگر امروز ما در این ارمانها شکست خوریم و عقب بمانیم دیگر دوباره این شرایط بوجود آمده ابر قدرت نظامی این مفکر و رهبر سیاسی این ملت غیور، هوشیار و بیدار در پشت سر شما این موقعیت و شرایط کسب بوجود آید، اینهم بوجود آمده است از الطاف بزرگ الهی است زیرا که همه محنت ها پایان دارد لکل دوام حوله و لکل حوله نهایه هر توده و جمعیتی رایگ حکومت و دولت، اما هر دوره ای رایگ جلوه، بیش نیست، جاوید و مخلص و موثید نخواهد بود روزگاری است منقرض شده، دوران فرمان شمایه پایان رسیده، سرداران رشید اسلام استاد بزرگوار مزاری درود حق توجه امام زمان (ع) پشتوانه تو ولی ان انسان هستی لایق و شایسته که دل بر تو به بندیم ملت توبه تو دل بندد، ای مفکر بزرگ، ای سردار رشید و عالیقدر، آن روز نیست که ما میسند آسایش بر خود اجازه دهیم گذشت، تابار و ابه سر منزل مقصود برسانیم واقعا " یکی از بشارت های

که میتوانم بشما بدهم که در چند روز که در مهمانی شما و مزاحم شما غرقم یک احساس غرور در خود میکنم چنین لذت می برم که بهترین لذتهائی است که در طول زندگی ام دارم، این بشارت را میتوانم در اثر شواهد شما بشما بدهم، پایان حکومت دیگران ان حکومت استبدادی، اکنون با حکومت برادری هم کشوری و وطنی هم اسلامی و قرآنی پایه گذاری کنند بشارت این است پایان دوران ان حرمان، ان محرومی ها، ان مظلومیت ها است باشد که صحبت کنم ولی همه این برکات از تعبیر قرآن سخن گو، همه این برکات از عامل نخستین سخن به بیان گذاشته تمام این خیرات بركات امد ها، ارز و ها که سردار رشید ما و سربازانش مطرح است در بوقهای جهانی و در روزنامه های جهان معاصر، در میان کشورهای مترقی و مترقی ترین کشورهای جهان معاصر این همسه خیرات، اینهمه فتوحات و برکات از برکت وحدت کلمه است، اکنون یک وظیفه انسانی در درجه اول یک وظیفه اسلامی در درجه ۲ یک وظیفه کشوری در درجه ۳ یک وظیفه ملی در درجه چهارم آن است که درخصوص هزاره های افغانستان که وحدت کلمه را از دست ندهند، بیش از پیش کوشا باشند، همین عظمت شما، عظمت ماست، سرداری شما سرداری ما، افتخار است، عزت ماست، پایگاه امید ماست ما هم باید بهمین علل و عوامل بکوشیم، این وحدت را حفظ کنیم، بیش از پیش تقویه نمایم، سرداران - رشید و مجاهدین عالیقدرش را آنچه در توان داریم کمک کنیم، شما میدانید که نباید از کمک خسته شوید، مردانگی و وظیفه شناسی مادر همین جاست حقوق مقرر از ماهیانه خود، از نان روزانه بچه های خود برای افتخار سازان ملت و مردم ماحق دهید تا حقوق ما را زنده کند و اینده ما را بیمه کند، غرور و شرافت ملی و عزت انسانی ما را بسازد، وحدت یکی از عوامل و اسبابی است که یک ملت را تغییر ریش میدهد اگر بخواهی ارمانها بکامل " زنده شود پاینده گردد، بیمه شود بکوش برو وحدت کلمه، اگر بگوروز، یک اتفاقی، یک تجربه ای در ملت آمد هوشیاران ان ملت میتوانند با منطق هوشیاری به آسانی مشکل را حل کنند از تجربه های خود کمک بگیرند، به اسرع وقت چنین مشکلات را حل کنند و هیچگاه منتظر نباشید که مادر بهشت زندگی کنیم، جهان مادی و طبیعت سینه خود همیشه عارضه، مرضی دارد، انقسام ده گروه شد دو جانب رفتن و راه بیمون خود یک مرض اجتماعی است، یک سرطان مهلك است و هیچ وقت نمی شود بگن سالم در طول زندگی انهم زندگانی اجتماعی که یک اصل ممتد تا انقراض ادم و عالم این توده هاست نمیشود گفت این مرض نباید در پیکر یک اجتماع باشد، این یک مرض اجتماعی است، هر مرض داروئی دارد، داروئی انقسام فکر مکران را رفت شخصیت، هاسر زنده ها، سردارها که با شفقت و درایت کامل و صحیح داروئی همین در دودوای بخش این عارضه را اینجاست، ارزبان قرآن شروع کنیم که گفت " اگر بخواهید همه شکست هارا از خود دور سازید یک نگاه کنید در اجتماع خود عوامل شکست ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم یعنی خداوند عوض نمیکند توده را از شکست و فلاکت به سعادت و از تخلف و تاخریت قدم و تعالی و ترقی و همینطور از جهان فرهنگ به فرهنگ انسانی اسلامی و مگر اینکه تغییری در خود دهند، به خود تغییر دهند، مسئله دیگری که میخواستیم بگویم و ان عامل تحول اجتماعی است، حوزه های علمیه شما ای سرداران این قوم با افتخار، ای مردان

و مردمان هوشیار و بیدار، ای الگوی هزاره های جهان افتخار بخشا، آنان سابق ترانی از ملت و مردم تان را در این عهد اخیرا بوه سعادت و فرهنگ جهانی تعالی و ترقی برادران حوزه های علمیه، قشار دیگر به این فکر افتادند که یک حلقه مفقوده در راه سعادت ملت و مردم ما را زنده کنند و از این عامل هم فراموش نکنند، در رقم گفتم که در هفته نامه بچاپ رسیده که امروز یک تحول ریشه ای و سرتاسری برای مردم ما آمده است هزاره های مادر کوئته سردارانند، فرهنگیان بسیار با فضیلت و با عظمت و جای بسیار سپاسگذاری از ذات حق است، فرهنگیا خوب، پزشکان، طبیبان، افسران و سایر مراحل اجتماعی و همه گونه تحولات برای ملت و مردم ما در اینجاست، مردم افغانستان ما هزاره های ما همچنین در انجا ۴۵۰ هزار دانشجو امروز در کشور ایران داشتند، محصلین عالیقدر، فضلا، اساتید مدرسین، مهندسیین، مروجین در مراحل مختلف دارند، ان ضعف مالی امروز نمانده بر اثر تحولات جهان معاصر تحولات مالی شان هم رضایت بخش است، سرداران مفکر هم دارند اکنون قدرت نظامی و سیاسی دارند و سایر فضایل انسانی را کمبود ندارند، ولی یک حلقه مفقوده بود و آن که خود یکی از عوامل ترقی و تعالی اجتماعی است، مسئله مرجعیت از مردم و ملت هزاره در کشور افغانستان بود که خیرات و برکات که برای مرجعیت است ما الان در این فرصت نمیتوانیم برای شما مردم ما بگوئیم، بشما وعده میدهم که به همراه ان نسا گفتنیها که بسیار مفید و نافع است خواهیم گفت مرجعیت حضرت استاد فقیه عالیقدر آیت الله مجتهد جامع الشرائط محقق نجفی (کابلی) را حتم کردند بر حضرتش، این استاد عالیقدر هفده سال درس خارج استاد فقه و محتهدین حضرت آیت الله العظمی خوئی قدس الله نفسه الزکیه بود، درس خارج در حوزه علمیه قم مدتی داشته است در نجف اشرف، سطح عالی را تدریس میکرده است همه اینها تدریس درس خارج هفده سال در درس خارج دلیل بر اجتهاد و جامعیت شرایط او است و ضمایم دیگر خواهد همچنین فقه استدلالی اجتهادی عالی اسلامی را تدریس و هفت سال پیش چاپ کرده است که چند درس های خارج خوئی است، این آیت الله عالیقدر معاصری داشت حضرت آیت الله فیاض مدظله العالی، حضرت آیت الله سید سرور و اعظ (رح) و بعضی دیگر اینها همه در یک حلقه بودند هر کدام معجزه اجتهاد را دارند دلیلش ان کتاب استدلالی شان است، محاضرات از حضرت آیت اله فیاض، مصباح الاصول از آیت اله واعظ، تحریر العروه از حضرت آیت الله محقق کابلی گواهی حضرت آیت الله خوئی درباره آیت الله (کابلی) که هفده سال در درس شان حاضر شد اینچنین گوید که حاضر شد حضور تعلم و تحقیق و تعمیق و تدقیق یعنی در مدت طولانی حضورش با فراگیری و بحث دقیق که اگر انسانی ده سال حاضر شود مسلما " کامل میشود، هجده سال بطریق اولی این استاد از نظر عدالت از نظر همه دوستانش ادم زاهد و عقیف و مقدس و پاک است، ظاهر دنیای، ظاهر سیاسی هر چه بر او عرضه داشته از ناحیه های مخالف امریکا و غیره، دلارها و ریال هارا فرمودند نه من نمیتوانم فردا تحمیل هائی که میشود بان عمل کنم، زهد سیاسی در خانه اش الان که بروید غیر از موکت چیزی دیده نمیشود نه اینکه عاجز است، طلاب در سش را شهریه میدهد



# محمد اسماعیل مبلغ

این مرزوبوم از پیشین زمانه ها خاکستگاه مردان نامی بوده است ، اگر تاریخ نگاران گاهسی از نا آگاهی و زمانی از کونه اندیشی ، نام شماری از صنایع علم و ادب و سیاست و هنر و هواداران - عدالت اجتماعی و از ادب خواهی معاصر در وطن ما را از یاد برده باشند این امر زیاده در خور اندیشه نیست ابرها همیشه نمیتواند آفتاب را پنهان نگه دارند .

اگر برگهای آسیب پذیر تاریخ حارس نام و کار نامه های شماری از ناموران بحساب می آید ، سینه های مردم با کمال جایگاه راستین و فنانا پذیر خاطر ه های از ادمردان راه نیافته در تاریخ است .

اگر از گذشته های دور دورتر چشم بپوشیم و تنها اوقات خاطرات و یادداشت های پراکنده معاصر را ورق بگردانیم ، یا از ادگانی به آشنائی خواهیم نشست که سر بلندی جامعه فردای ما بانام شان پیوستگی بی گسست خواهد داشت .

سید جمال الدین افغانی ، فیض محمد کاتب محمود طرزی ، عبدالرحمن لودین ، غلام محمد میمنه کی ، میر علی اعغر شعاع ، سرور جوینا داکتر محمودی ، برات علی تاج ، سید اسماعیل بلخی ، میر غلام محمد غبار ، فتح محمد فرقه مشر و ۰۰۰ و شمار دیگر از پیشکوتانی از این دست روشنگران پر شور جامعه افسرده مایوندند که میل نورانی برای بیداری و نجات مردم از سرگشته گی و پیداکردن راه بیرون رفت از تاریکی داشتند و در جهت باز بودن دریچه برای همه نسیم هادرستی ناکسسته ای بر میبردند ، نام این روشنگران نستوه هیچگاه بدست فراموشی سپرده نخواهد شد ، اگر چه تاریخ پر وازان دستبین از یادشان برده باشد . یکی از سیماهای پر فروغ دانش و سیاست در پیشتر از دهه حاضر که سحاب سیما فام بیعدالتی نخواهند توانست مانع تابندگی آن گردد . محمد اسماعیل مبلغ فیلسوف و خطیب آتش نفس و پژوهشگر بلند دست وطن مایود ، اودر خانه مرد خود ساخته هزاره بنام حاجی صافسر از روستای " حصار " بهسود بسال ۱۳۱۴ شمسی چشم به عرعه هستی باز کرد دوران خورد سالی را همانند هزاران کودک دیگر در شرایط ناسالم اقتصادی و فرهنگی بسر آورد ، پدر او که مرد زبیرک و با تجربه بی بود با امکانات دست داشته به تعلیم و تربیت فرزند توجه جدی و پیگیری را روا داشت .

طالب العلم تیرهوش با استعدادش گرفت و حافظ محیر العقول به زودی از همسالان سبقت جست و به مراتب بالاتری از آموزش کام نیادوبه علوم بلاغی و ادب عرب و منطق و فلسفه دست یافت و اقیقهای وسیع تری از علم و دانش را در برابر خود گشود ، اودر راه حصول معرفت ، بیدریغانه هر دری را کوبید و در محضر هر صاحب فصلتی نشست و اندوخته های خود را فرونی بخشید تا اینکه در علوم اسلامی و فلسفه قدیم و جدید و ادب عرب و عجم و فن سخنرانی کفایتی بسزایافت و با چنین دست مایه بی به امر پژوهش دست بازید و بسا روایی که با دانشیان سیاست پیشه داشت نتوانست که با سیاست نیرنگ نیک نباشد ، گرچه اودر سالیان قبل از ۱۳۲۲ نیز با کتاب و قلم سروکار داشت و نوشته هایی به چاپ رسانیده ، اما دران -

هنگام خطوط اساسی کارش زیاد مشخص نیست و ولی سالهای ۱۳۲۳ - ۱۳۵۳ مینه رشد بیشتر و سرعتر اودر عرصه دانش و سیاست و فعالیت های فرهنگی با شی معین تر به حساب می آید او کسبه عطش شدید در فهم بیشتر مسائل اجتماعی داشت در این هنگام با شمار افزونتری از روشنفکران پیوسته تحریک و وقت معرفت بدست آورد و علی الظاهر به پشت گرمی آنان به ابراد تند ترین و پر شور ترین خطابه ها و بیوشها توجه مقامات و حلقه های علمی ، سیاسی را بخود معطوف گردانید و در سالهای قبل از ۱۳۴۰ مدتی بحیث عضو نشراتی مجله ژوندون کار کرد و پس از آن بسسه عضویت انجمن تاریخ درآمد و نیز چند گاهسی در فاکولته ( دانشگاه ) ادبیات به تدریس پرداخت در سال ۱۳۴۳ به عضویت لویه جرگه دعوت شد و در تصویب قانون اساسی شرکت ورزید ، سپس از انقضای قانون اساسی که فضای بازتری بوخود آمده بود انتخابات دوره دوازدهم شورای ملی بمیان آمد و شخصیت های برجسته بی از گوشه و کنسار کشور برای احراز کرسی وکالت خود را کاندید نمودند مبلغ که آدم نایستنا و شتابگر بود و پیوسته در جستجوی قضای کسب کرده تر با استفاده از اسن مجال از حاکم نشین حصه اول بهسود که دهکده ( حصار ) جایگاه خوانواده اش به این حصوره سنتکی دارد نامزد وکالت گردید و برنده شد و در بهار سال ۱۳۴۴ راه پارلمان را در پیش گرفت دوره دوازدهم از روشنترین دوره های شورای افغانستان بود و شماری از بهترین روشنفکران و آگاهان مسائل اجتماعی و سیاسی دران راه یافتند بودند و مبلغ یکی از آنان بود ، سخنرانی های تند و اتشین او از پشت تربیون ولسی جرگه که در انتقاد از وضع نایسامان وقت و در جهت دفاع از حقوق مستضعفان ابراد میشد ، پشت ستمگران رامی لرزانید و بدینصورت او از برجسته ترین نمایندگان دوره بحساب آمد ، مبلغ در جریان همین سالها آثار فراوانی در زمینه های تاریخ و ادب و فلسفه و زبان و مسائل اجتماعی به نگارش در آورد که قسمت های از آن ها در حد برداشت شرایط وقت به چاپ رسیده است از آثار او ایل کار اورساله ( بخشی در شعر و لغت ) در زمینه ادبیات و رساله ( ملوک کرت ) که فصلی از تاریخ و وطن ماست قابل یادآوری دانسته میشوند ، هر یک از این دورساله در شماره های متعدد مجله آریانا به چاپ رسیده پس از آنکه اقبال طبع نیافته است ، پس از سال ۱۳۴۹ ش مبلغ بسسه مطالعه و بررسی مسائل فلسفی پرداخت و در جریان این مطالعات به آثار و افکار ابن سینا دبستگی بدان حد رسید که تقریباً " تمامت تالیفات او را در هر دو زبان فارسی و عربی بدست آورد و مطالعه و بررسی نمود ، باید بلا فاصله افزود که پیش از آشنائی با ابن سینا مطالعات او پیرامون آثار مولانا عبدالرحمن جامی که کتابهای او را در مدرسه خوانده بود بیشتر دور میرد نتیجه بررسی و مطالعه مبلغ در آثار مولانا حاجی در نوشته های بربرین که چاپ شده با ژتاب می یابد .

- نقد فلسفه از نگاه جامی چاپ سال ۱۳۴۲  
- جامی و ابن عربی چاپ سال ۱۳۴۳  
- تعلیق برداستان عرفانی سورمان و ابسال جامی چاپ سال ۱۳۴۳  
- اما کار کرد او در مورد شناخت و تحلیل و مقایسه مضامین ابن سینا و درک اندیشه و فلسفی او بسسه

تألیف گسترده و قابل توجه دانسته میشود و تا آنجاکه معلوم است نوشته های او در این زمینه در دو مجلد آماده گردیده بود که فرصت چاپ آنرا بدست نیارده است ، اما بخشها و عناوین بسیاری از آن اثر بطور نامنظم در مطبوعات کشور انگلیس بیافته است ، برخط بعضی از نوشته های فلسفی چاپ شده و از آن میان در رابطه به ابن سینا شناسی آوریه گونه ، مثال در اینها از نظر میکتر انیم .  
- اوضاع فکری قدیم از عصر آریانا شان در عصر ریک ودا  
- سر آغاز تفکر فلسفی در افغانستان .  
- طبقه بندی علوم فلسفی  
- علم برین  
- تعریف و تضعیف فلسفه از نظر افلاطون .  
- شک غزالی و شک دکارت  
- تعریف فلسفه از نظر فیلسوف ابن سینا بلخی  
- و از افلاطون تا ابن سینا  
- نظریه فیض در نزد ابن سینا ( ترجمه )  
- پیشگفتاری بر ادراک حس در نظام فلسفی ابن سینا ( ترجمه )  
- یکی از آگاهان بحث فلسفه گفته بود که تفسیر مبلغ در فلسفه بدان پایه است که نه تنها در وطن مایلکه در منطقه نیر همنای زیاد ندارد ، نوشته های مبلغ در رابطه به مسئله زبان و ادب اضافه از اینکه از لحاظ موضوع مورد دلچسپی قرار میگیرد از نظر موازین بلاغی و مرصع بودن بیان نیز در سطح بالاتری قرار دارند و در ردیف بهترین آثار معاصر به حساب آورده میشوند به عنوان چند نوشته نشر شده او توجه شود .

- فرهنگ ملی را در بابیم  
- راه حل دموکراتیک مسئله زبان  
- اقسام ادب  
- ادب از نظر اخلاق و تصوف  
- شعر نو  
" دین تریاک نیست " نام یکی از کتابهای مبلغ است که کویا بعد از خودش در خارج کشور با مقدمه جلال الدین فارسی دانشمند معروف خراسانی الاصل با چاپ رسیده است ، این اثر در عین اینکه نشان دهنده ، آگاهی وسیع و عمیق مولف از فلسفه و احکام دینت اسلام است تلویحی نیز بر کفته های کسانی است منی بر اعتقاد خودش مطالعات فلسفی و ادراک دیالکتیکی و آگاهی بر احوال ملل و نحل در سفرهای ایران ، سوریه ، عراق ، لبنان و هند و از تکنای تعصبات بیرون آورده بسود دانستن عدد نوشته های چاپ شده مبلغ بسسه سادگی میسر نیست و مستلزم جستجو در لابلای صفحات بیست و پنج ساله مطبوعات کشور می باشد و هم بدانسان از آثار چاپ شده برجای مانده او عجلتا " مشکل است بتوان المذاع موثق ارائه نمود ، گفته میشود او با وصف تماس فراوان با روشنفکران صاحب نظر و سیاست پیشگامان آگاه به این نتیجه نرسید که به عضویت یکی از دسته های سیاسی در آید و وفق عمل خود را تنگ سازد و البته این عدم وابستگی به هیچ روی مانع فعالیت های اجتماعی و سیاسی او در جهت دفاع از حقوق مستضعفان دانسته نمیشود بلکه بان وجهه همه گانی تسمیر می دهد سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۵۷ مقالات زیادی در زمینه



مباحثه اختصاصی با استاد تشریف آوری

جناب محترم استاد برهانی، دانشگر از اینکس وقت گرانمای خود را در اختیار خواننده گسان چربیده طلوع وحدت قرار دادید. بعنوان مسئول اول اگر مایل باشید بطور مختصر خود را به خواننده کان مامعرفی فرمائید؟

ج: اینجانب قبل از کودتای ۷ ثور و دوران کودتای و اشغال باعده ای از برادران در یکی از تشکلهای منحل و ادغام شده به حزب وحدت اسلامی همکاری داشتم و از طرف رهبران در کابل وظایفی بمن سپرده شد که در انجام آن بقدر توان و اجازه شرایط کوشش و تلاش نمودم درکنگره سنبله ۱۳۷۰ اینجانب بانه نفر دیگر از برادران بعنوان مسئول ولایتی شهر کابل تعیین گردیدیم چنانچه در تحولات اول سال ۱۳۷۱ در شهر کابل قبل از تشریف آوری در ۵ دیر کابل حزب جناب حضرت الاسلام والمسلمین استاد مزاری عهده دار سرپرستی مجاهدان و جوانان کابل بودم بعد از تشریف آوری جناب استاد امزازی (و سایر رهبران ازینکس طرف وظیفه محوله ام تخفیف پذیرفت و از جانب دیگر به تکلیف مریضی مصاب شدم چنانچه برای تداوی آن در پاکستان و ایران مسافرت نمودم پس از اینکه جناب عالی در طول حوادث تلخ و ناگوار جنگهای کابل در صحنه حضور داشتید، لطفاً بیان فرمائید که چرا چنین جنگهای بوقوع پیوست و چرا آنقدر ادامه یافت؟

ج: وقوع جنگ و هم ادامه آن معلول علل و عواملی است که یکی از عوامل و انگیزه جنگ و ادامه آن انحصار طلبی و خودخواهی بعضی عناصر تنگ نظر



و انحصار طلب است که نصیخواهد و نمیتواند تحمل کند که کسانی دیگر یا ملت های دیگر در کشور مشترک خویش حق زندگی طبیعی دنیائی داشته باشند و عوامل دیگر آن دسته از کاران و جنگ افروزان - خارجی است که با ترفا غرض شوم که دارند کوشش دارند تا آتش جنگ را در کشور مظلوم و ستم دیده افغانستان مشتعل سازند.

س: با توجه به مطالبات و نظریات حزب وحدت اسلامی، هیچ خواسته این حزب مغایر قوانین مقدس اسلام و برخلاف منافع مشروع دیگران و قوانین بین المللی نبوده، با نهم بطور مداوم - بکطرف جنگ حزب وحدت اسلامی قرار داشته که بران حمله و راند چرا چنین است؟

ج: تنگ نظریها و انحصار طلبی هادر کشور جنگ زده افغانستان یگانه عامل تشنج و درگیری های غیر انسانی گردیده است که همین مرض روانی برده ضحیمی را در چشمان شان ایجاد نموده است اصلاً " واقعیت ها و حقایق را درک و احساس نکرده - حقوق طبیعی، اسلامی و همچنین حقوق بین المللی ملت ها نادیده انگاشته میشود.

س: بر حسب تعهدات جلال آباد دولت آقای ربانی بایست نامیزان جاری زمینه انتخابات بر اساسی را در کشور آماده میساخت، اکنون برج میران گذشت ولی از انتخابات و برگذاری آن خبری نیست چرا آقای ربانی از انتخابات طفره میبرد؟

ج: واضح و روشن است که آقای ربانی به هیچ یک از تعهدات خود پایبندی نشان نداده همه را زیر پا میکند، حال آنکه وفاقی عهد از مهمات دستورات اسلامی و قرآنی است و عهد شکنی و نادیده گرفتن متناق از جمله گناهان کبیره محسوب است.

س: استاد محترم همانطوریکه میدانید ملت مظلوم تشنج و هزاره در طول تاریخ (۲۵۰) ساله

اخبر ز جرفراوان دیده اکنون به برکت انقلاب شهادت و مردانگی شان کم کم عظمت گذشته خود را بازیافته، لذاملت ما چه در خارج و چه در داخل کشور در حفظ این دست اوردها چه تکلیفی دارند؟

ج: عرض شود که برای فرد در ملت چه آنانیکه در داخل تشریف دارند و چه کسانی که در خارج کشور دفاع از وحدت و همبستگی ملت مظلوم ما بمثابه دفاع از دین، دفاع از عقیده و دفاع از نواامس اسلامی و انسانی بوده و میباشد، سرپیچی از آن به هیچ فردی نه تنها جایز نمیشود بلکه در قبال ملت و هم در قبال نواامس اسلامی مسئول و محکوم خواهد بود.

س: در اخیرا گریبانی برای مردم خوب ما داشته باشید بفرمائید؟

ج: من کوچکتر از آنم که پیامی بملت غبور و سلا شهادت، ملت یادرک، درایت خود داشته باشم زیرا این ملت در مدت یکسال و ششماه شهادت شجاعت، ایثار و فداکاری، جرئت و مردانگی خود را در تمام ابعاد به ثبوت رساندند و اکنون یقین دارم که این ملت غبور نخواهند گذاشت تادشمن و عناصر و مزدوران در بیکر وحدت ملی و مردمی شان رخنه ایرا ایجاد نموده حیثیت، شرف و آبروی انسانی و اسلامی شان را مورد دستهزاق قرار دهند.

در خاتمه از خدای بزرگ استدعا میکنم هر کسی که در راه خدا و وحدت و انسجام ملت و مردم ماکوشش و تلاش میکنند در دنیا و آخرت منصور و موفقی باشند.

پایان

میگوید شما مردمان مزدور هستید و بانها میگویند شما لخلال گر هستید دست تان را بکشید نگذارید آسوده زندگی کنیم چرا ما را به کشمش و گبرودارها می اندازید، این اولین حرف آنهاست، شما هر چه بگوئید ما مذهبی داریم و فقهای داریم همه اعمال از آنها سرچشمه میگیرد، این زبان را نمیفهمد ولی اگر گفتید رهبر داخل ماست، این کسی است که خود را به اوسپرده ایم و رهبر مصالح خود دانسته ایم محی حقوق شناختیم، امین متین اورا - شناختیم تمام هستی و زندگی خود را در اختیار او گذاشتیم هرگز نتواند بگوید، این حرف موافق زمان معاصر است، این حرف را درگ میکنند، اما مذهب است، مکتب است، بکشید دست تان را - لخلال گران از این فتوا هاندهید، این مرجع دچار صدها این بست ها و مشکلات سیاسی از داخل و خارج کشورش میشود نمیتواند فتوا بدهد، حتمی و ضروری است مرجعیت بر این شرایط، این هم ضروری است پشت جبهه را دارد، پروردگار همه کشور های اسلامی را در پناه خود حفظ کن، کشور عزیز پاکستان را پروردگار اجاوبد و ابدومعزز بگرا ن کشور عزیز ایران را حفظ بفرما، روح امام عزیز، رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خمینی قدس سره را از ماشاد بگردان.

والسلام

- ستاره گان قرن ۷ - آریانا ش ۸ - ۹ س ۱۶ سال ۳۷
- مایوریت هلاک برای وضع اسماعلیه - آریانا ش ۱۰ س ۱۶ - سال ۱۳۳۷
- ترجمه آثار ابن سینا بر زبانهای اروپائی مجله ژوندون ش ۴۳ ص ۱۳ سال ۱۳۴۰
- هجویری غریبی ژوندون ش ۲۶ ص ۱۳ - سال ۱۳۴۰
- ابونصر مشکان - ژوندون ش ۹ و ۱۰ ص ۱۳ سال ۱۳۴۰
- ابن سینا - ژوندون ش ۶ و بعد ان ص ۱۳ سال ۱۳۴۰
- حجت الحوائج ابن سینا ژوندون ش ۲۳ - ۲۴ ص ۴۰
- حجت الاسلام غزالی - ژوندون ش ۳۰ ص ۱۳۴۰
- فلسفه چیست - ژوندون ش ۲۲ سال ۱۳۴۹
- فلسفه چیست - ژوندون ش ۲۷ سال ۱۳۴۹ ختم

**بنیاد اندیشه**  
بقیه از: متن سخنرانی آیت الله خراسانی

تجارت های ترکمانی در کابل دو ماشین لکس آخرین مدل را در اختیارش نهاد، زندگی طلبی ساده دارد نه از ضعف بلکه از قناعت است، این زهد اش، عدالتش، اجتهادش امروز یک حلقه مفقوده در تمام هزاره های جهان، ثروت، تجارت، افسری پست های عالی، مقام های حساس پزشکان، افسران، مهندسان و صنایع دیگر مکارم اجتماعی همه شان دارند، اما یک حلقه مفقوده این بود مرجعیت صاحب فتوا، بگفته رسول خدا هرگاه " قشر صالح باشند توده هایک ملت یک کشور آباد و سعادت مند است " ۰۰۰۰ سرداران عزیز، روشنفکران شما که در راس اجتماعید اگر صالح باشید ۰۰۰۰ این حلقه مفقوده بود علما و دانشمندان حوزه قم از علمای هزاره کتاب نوشته اند ضرورت مرجعیت در اجتماع تشیع افغانستان را با استدلال کافی و وافی ثابت کردند، بگ نمونه بگویم تگریک فقه خارج از کشور بگ فتوی بدهد که سیاست وقت ايجاب نمیکند و نمی پذیرد، اینجا

- محمد اسماعیل مبلغ بنشیند فرزند**
- های ادب، تاریخ، فلسفه و دیگر مسایل اجتماعی از مبلغ در مطبوعات کشور به چاپ رسید که اکثر تعامات آنها جمع کردم مجموعه بزرگی از آن بدست خواهد آمد، باید روزی کسی به انجام این امر اهتمام به عمل آورد در اینجاشماره از مقالات او که بنظر نگارنده رسیده بدون ترتیب تاریخ و موضوع یادداشت میشود تا گامی باشد درین راه.
  - رهنمود اساسی تفحص و نگارش تاریخ - مجله ژوندون شماره ۱۷ سرطان ۱۳۴۹
  - تلاشهای محرومانه، چربیده روزگار ش ۱۸ ص ۲ س ۱۳۵۰
  - از افلاطون یونانی تا ابن سینای بلخی - فارابی (ترجمه و حواشی) مجله آریانا ش ۳۱ سال ۵۲ - پیامی از گوی آشنائی - چربیده روزگار ش ۲۲ ص ۲ - سال ۱۳۵۰
  - ایتمولوجی در فلسفه ابن سینا - آریانا ش ۱۰ ص ۲۱ سال ۱۳۳۳
  - شعرو ادب - آریانا ش ۱۵ سال ۱۳۳۵ ص ۴
  - نور و جشن زندگی و عید مرده گان آریانا ش ۳ سال ادب از نظر تصوف یک نگاه کوتاه در تاثیر تصوف سر ادب فارسی و تازی - آریانا ش ۴ س ۱۵ سال ۱۳۳۶ - ابومعشر بلخی بزرگترین ستاره شناس قرن سوم آریانا ش ۱۱ س ۱۵ سال ۱۳۳۶ و شماره اول سال ۱۶ - مطابقت وعدم مطابقت صفت و موصوف در عربی و دری - آریانا ش ۴ س ۱۶ سال ۱۳۳۷
  - در جواب مقاله جوینده - آریانا ش ۶ ص ۱۶ سال ۱۳۳۷



### بیانیه مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مفتح کابل

قال الله تعالى: لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط.

ملت مسلمان افغانستان هدف از جهاد و دفاع و مبارزه شما بر علیه استکبار جهانی و عمال شان هيچ چیزی جز حاکمیت اسلام و قرآن نبود و سپاس بی پایان از فریدگار جهان را که نصرت و یاری خود را شامل حال مستضعفین نمود تا اینکه نه تنها استکبار و عمالشان را شکست دادند بلکه مکتب کمونیسم منحل شد، و انقلاب اسلامی در کشور به پیروزی رسید، و لکن متأسفانه این انقلاب - از افات بدو نماند، تنگ نظری و انحصار طلبی عده از مسئولین چنانچه ملاحظه نمودید باعث خنک های خانمانسوز داخلی شد و ضربه های خورد کننده و خسارات فراوان جانی و مالی نصیب این جامعه مستضعف گردید، و انحصار طلبان هیچ بهره ای از این جنگها نبردند.

اکنون که وقت تدوین قانون اساسی موقت رسیده است و شروع بان نموده اند باز هم انحصار طلبان طلبان عقیده و خواسته قشر عظیمی از ملت را نادیده گرفته میخواهند عقیده خویش را بر دیگران تحمیل کنند، ای قرآن علت غائی و هدف از ارسال رسل و انزال کتب را قیام بعدالت اجتماعی ندانسته است و ای قرآن نمی فرماید لا اکره فی الدین قد تبین الرشدی الغی، پس بنا بر این باید

دو مذ... (جعفری، وحنفی) که در جامعه ما کدام سر و ان زیادتی دارند بر سمیت شناخته شود تا برسد بیض و تفرقه و نفاق از بین رفته اخوت اسلامی بین... سنی تحکیم باید و جامعه اسلامی مایات قرآن را که میفرماید انما المؤمنون اخوه و می فرماید، محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحما بینهم، فراموش ننمائید.

و در شرایطی که مکتب اسلام جاذبه و پویایی صدر اسلام را با زیافته است و در قطار مختلف جهان مبارزات اسلام خواهی با وج خود رسیده است، و جهان کفریه مقابله با آن بر خواسته است و در تاجیکستان و ازبایجان و فلسطین و کشمیر و سنی هرگز گوین مسلمانان را قتل عام می نمایند، آیا وظیفه مسئولین و زمامداران اسلامی ایجاد نفاق و تفرقه بین جامعه اسلامی می باشد؟ و اگر عقائد مذ هبی و خواسته هفت میلیون نفر در کشور نادیده گرفته شود جنگها و مبارزات داخلی پایان خواهد یافت و ایام ملت رنج دیده و ستم کشیده ما روی صلح و آرامش خواهد دید و آبسا دشمنان اسلام با دستهای مرئی و نامرئی از فرصت استفاده کرده و در صدد ضربه زدن به جامعه ما بر نخواهند آمد، پس چه خوب است که تعصبات خشک مذهبی کنار گذاشته شود و مسلمانان جامعه اسلامی ما را خواب غفلت بیدار شوند و تنبه پیدا نموده در صفهای فشرده بیکار چه از زبان اسلام دفاع کنند و اهتمام بمدح عمر و - زرداشته باشند.

خلاصه کلام توعیه استنباط بملت مسلمان افغانستان در امور ذیل است:

- ۱- از تجربه تلخ یکسال و اندی گذشته باید عبرت بگیریم و از افشاندن بذرتفرقه و نفاق و تعصب بپرهیزیم.

۲- با نظر داشتن اخوت و رحمت اسلامی در ایجاد وحدت اسلامی و ملی بین اقوام و نژادهای مختلف باید تلاش بیکبر داشته باشیم و اجازه ندهیم که چهره مجاهدین اسلامی بیش از این خشن در دنیا م معرفی شود.

۳- مذ هب " جعفری و حنفی " که در جامعه ما پیروان زیاد دارند باید بر سمیت شناخته شوند و پیروان هر یک به پیروان دیگری که از هر قوم و نژادی باشند احترام و همکاری اسلامی و برادرانه داشته باشند چنانچه

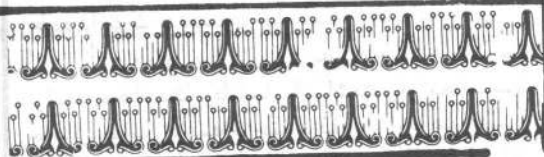
داشته باشند چنانچه فعلا " هم بین قسمتی از پیروان این دو مذ هب همکاری و صمیمیت برادرانه وجود دارد.

۴- جامعه اسلامی ما با حفظ وحدت اسلامی اجازه ندهند که استکبار جهانی ویا الشان در صفوف مارخنه نموده انقلاب اسلامی ما را با تحراف بکشانند.

۵- تمام زمامداران و مسئولین و قوماندانهای که تعهد به اسلام و خون پاک شهدا دارند از شعله ور شدن جنگهای داخلی با تمام قوی جلوگیری کنند و بیش از این اجازه ندهند بر نجا و مشقتها ی ملت مستضعف افزوده شده صحنه زندگی را بر آنها تنگ نمایند تا باز هم مجبور به مهاجرت شوند.

السلام علی من التبع الهدی

قربانعلی محقق - ۶/۷/۱۳۷۲



## سایه روشن مالی از...

بود تا قیام درویش علیخان را سرکوب کند ولی وی چنان روشی را برگزید که شاهزاده کدران وقت در هرات اقامت داشت به بدر خودنوشت تا وزیر امر مؤول سازد (۲۳)

تاریخ احمد شاهی که در عهد تیمورشاه وزیر نظر اوبه انجام آورده شده از جهت هم زمانی، منبع عمده و دست اول درباره درویش علیخان دانسته میشود ولی این نکته درخور یاد آوری است که محمود الحسینی مولف کتاب را از افراد بد بین درباره هزاره ها و از جمله بیگلی بیگی بوده است چنانکه در همه جای اثر خود آنان را به الفاظ نامناسب و خلاف آداب - تاریخ نویسی یاد کرده است (۲۴)

### در سالی از این برگ تاریخ

گرچه بعد زمانی و وجود تفاوت های عمیق سیاسی و اجتماعی زمان حاضر و دوران که درویش علیخان میریسته، مقایسه این دو دوران را یک نوع قرینه سازی جلوه میدهد، ولی از آنجاییکه منظور از آموزش تاریخ درس گرفتن از آن برای رهنمود های آینده میباشد مادر اینجابه تذکر چند نکته که میتواند رهنمای کارهای مادر حال و آینده شود بطور گذرا مکت میکنیم.

۱- متأسفانه روابط میان اقوام

در افغانستان بی آیش نبوده و همیشه بنا به ضرورت و شرایط خاص بر خورد های متفاوت - شده است، زمانی که از وها بر آورده شده خدمات و نمک شناسی هاهم فراموش شده است، برای مثال زمانی که محمد هوتکی اراده تسخیر اصفهان نمود و ضرورت به افراد جنگجو داشت از درویش علیخان مساعدت طلبید، همچنان احمد شاه درانی بخاطر فتح هرات از مساعدت درویش علیخان بهره گرفت ولی به زودی این مساعدت ها فراموش شد، بهانه ها تراشیده شد و میانه شان برهم خورد و سرانجام به سرگرد گز ویش علیخان انجامید، غبار میگوید: برخلاف تمایل مردم - احمد خان عرب حاکم عهد نادر افشار در دفاع از شهر برضد احمدخان پرداخت در حالیکه خان بزرگ دیگر درویش علیخان هزاره به طرفداری احمد شاه قیام کرد (الف)

۲- تاریخ نشان میدهد تا زمانی که این مردم متحد بوده هیچ نیروی بیاری انرا نکرده تا آنها را شکست بدهد ولی دشمن در سرکوبی مردم هزاره بیشتر از خود این مردم استفاده کرده است، بشکل که یک قوم را علیه قوم دیگر تحریک کرده است، زمانی که پسران درویش علیخان به خاطر رنج و شکنجه پدر دست به قیام زدند حاجی کریم داد عرض بیگی که ماموریت داشت تا قیام کنندگان را سرکوب کند کاری از پیش برده نتوانست ولی این فرض علیخان هزاره و در مانخان مغول بود که نه تنها قیام را شکست دادند

بلکه پسران درویش علیخان را هم به قتل رساندند. حتی توطئه و دسایس و عوام فریبی آنقدر بود که درویش علیخان را توسط پسران عمویش به قتل رساندند. ۳- تاریخ مردم هزاره را به طور اجمال به سه دوره میتوان تقسیم کرد. الف: یکی دوران عزت و افتخار و حکمروائی این مردم که دوران طولانی را در بر میگیرد و دودمان های مختلف از این قوم مانند شان غرچستان " شیران بامیان " و امرای غورستان " در مناطق وسیع کشور حکم راندند، این دوره که از زمانهای بسیار دور آغاز شده است با شروع هوتکیان ختم میشود. ب- دوره نسبتا " تعادل و داشتن روابط مساوی با دیگر اقوام که این دوره رومی توان همزمان با تسلط هوتکیان و سدوزائی در کشور مقارن دانست. ج- ولی دوران ذلت و بد بختی هزاره ها از زمان به قدرت رسیدن محمد زائی در کشور شروع شد به ویژه بعد از سلطنت عبدالرحمن در این دوره که مردم هزاره از تمام مزایای انسانی به اشکال مختلف محروم بود بیش از یک قرن را در بر میگیرد. متأسفانه در دوره اخیر این مردم همیشه مورد سوء استفاده قرار گرفته است یعنی در زمان مبارزه و جنگ در پیشاپیش

بلکه پسران درویش علیخان را هم به قتل رساندند.

حتی توطئه و دسایس و عوام فریبی آنقدر بود که درویش علیخان را توسط پسران عمویش به قتل رساندند.

۳- تاریخ مردم هزاره را به طور اجمال به سه دوره میتوان تقسیم کرد.

الف: یکی دوران عزت و افتخار و حکمروائی این مردم که دوران طولانی را در بر میگیرد و دودمان های مختلف از این قوم مانند شان غرچستان " شیران بامیان " و امرای غورستان " در مناطق وسیع کشور حکم راندند، این دوره که از زمانهای بسیار دور آغاز شده است با شروع هوتکیان ختم میشود.

ب- دوره نسبتا " تعادل و داشتن روابط مساوی با دیگر اقوام که این دوره رومی توان همزمان با تسلط هوتکیان و سدوزائی در کشور مقارن دانست.

ج- ولی دوران ذلت و بد بختی هزاره ها از زمان به قدرت رسیدن محمد زائی در کشور شروع شد به ویژه بعد از سلطنت عبدالرحمن در این دوره که مردم هزاره از تمام مزایای انسانی به اشکال مختلف محروم بود بیش از یک قرن را در بر میگیرد.

متأسفانه در دوره اخیر این مردم همیشه مورد سوء استفاده قرار گرفته است یعنی در زمان مبارزه و جنگ در پیشاپیش

# درویش علیخان هزاره...

کوبابعد از صدور این فرمان درویش علی خان از بند خلاصی یافته و کار خود را از سر گرفته اما صلاحیت و قدرت سابق را نداشته است زیرا تیمور در آن منطقه حکم پادشاه را داشت و همه چیز زیر نظر او به اراده او انجام می یافت .

در سال ۱۱۷۸ ق درویش علیخان و نسور محمد خوگیانی از طرف احمد شاه به فرسودن نشانند غایب نشا پور موء ظف گردیدند و - متوجه استیصال طایفه کرد عمار لوکه در نواح نیشابور سکنی داشتند و همواره سرنخوت و غرور در آن مرز و بوم می افراشتند گشته به ستیغ و او بر پیرداختند چنانچه حرب عظیم ورزم - شدید بوقوع پیوسته و عاقبت الامر به امداد تأییدات الهی و باوری اقبال دشمن مآل شاهنشاهی عساکر ظفر مآثر پادشاهی به کرامت نصرت و - فیروزی مخصوص گشته لوای غلبه و استیلا بر افراختند (۱۷)۰۰۰

چون درویش علیخان احساس کرده بود که در مورد او خوشبینی وجود ندارد و خواهی نخواهی روزی موجبات حبس و قتلش فراهم خواهد گشت ، لذا هنگام بازگشت از نیشابور در موضع کافر قلعه از مراجعت به هرات خودداری کرد و بسوی بادغیس رفت .

۰۰۰ و بعد از ورود به کافر قلعه ، علانیه رایت مخالفت و طغیان افراشت و از آنجا به محال غور بان رفته با جنید خان هزاره هم عهد و پیمان شده به اتفاق او و رؤسای ایالات ایماق و هزاره را نیز با خود متفق نموده به (قلعه نره نو) که واقع سمت کوهستانات بادغیس و در ارتفاع و استحکام ، همسایه و همسودش فلك برجیس است ، شتافت (۱۸)۰۰

درین هنگام احمد شاه از کابل به قندهار وارد گردید چون خبر طغیان درویش علیخان را به او دادند ، بر شاه ولی خان وزیر که واسطه استخلاص او از حبس گردیده و آینده او را تعهد کرده بود ، خشم گرفت و گفت : و تو در خدمت نواب همایون ماوسیله و واسطه استخلاص آن - متمرّد فساد انتماگشته از جانب او متعهد شدی که دیگر سالک مسالک شور و شر نخواهد گردید و بعد از این از ربه عبودیت و بندگی سرنخواهد پیچید .

تو کردی به درگاه گردون اساس

به عفوگناهان از التماس

نمودیم بر قول تو اعتماد

گذشتیم از جرم آن بد نهاد

کنون سرکشیده ز راه غرور

شده مصدر فتنه و شر و شور (۱۹)

شاه ولی خان وزیر صلاح دولت را در آن - وانمود کرد که نورالدین خان بامیزی برای استمالت نزد درویش علیخان فرستاده شود و در صورتیکه سخن او را نپذیرد ، خود نـزـد او رفته حاضرش سازد ، احمد شاه که شخصاً مرد پرحوصله و گذشته بود و نمیخواست کسیه شخصیت های قومی از او از رده باشند و در مقابل اش قرار گیرند ، نظر شاه ولیخان وزیر را پذیرفت و نورالدین خان بامیزی را نزد بیگلربیگی

فرستاد تا نصایح و مواعظه و مراند را به او برساند و او را اراده اش ولی نورالدین خان به تغییر عزم ساریکی توفیق نیافت و بی نیل مقصود بازگشت . احمد شاه که از سرکشی های مکرر این مرد و بی انعطافی او برآشفته بود عزم کرد که گروهی از سپاه را به قیادت یکی از سرداران - برای تنبیه و سرکوبی او بفرستد ، اما شاه ولیخان وزیر ، دوست نیک اندیش بیگلربیگی باز هم استد عانمود که این امر به عهده وی گذاشته شود تا بدون رزم و پیکار به انجام رساند . احمد شاه که خود هم طرفدار خون ریزی نبود تقاضای شاه ولیخان را باریک بینی پذیرفت و او را مأمور آوردن درویش علیخان گردانید -

بیگلربیگی که از جمله هواخوان و دوست داران وزیر بود از سخن صلاح او گردن نکشید و به اتفاق او روانه هرات گردید و بعد از رسیدن به پیش تیمور ، بحضور احمد شاه پا یافت و احمد شاه تقصیرات او را به عفو و اغماض مقرون ساخته مشمول انواع مراحم و تفقذات فرمودند (۲۰)۰۰

پس از این تاریخ درویش علیخان بصورت نظر بنده سرمبیرد ، احمد شاه هنگام سفر ولایات خراسان او را با خود برد تا بر نظر خودش قرار داشته باشد و در بازگشت از سفر او را به تیمور سپرد تا تحت نظر قرارش بدهد و او جمعی کیشک چی و مستحفظ و محارست از مأمور ساخت . اسلام خان و خنظله خان (۲۱) پسران درویش علیخان که در میان طوایف هزاره و ایماق سرمبیردند از دریافت حالت پدر خود که تحت

نظر قرار داشت خشمناک گردیدند و بانیاز خان جمشیدی وعده دیگر سر از قید اطاعت کشیده رایت مخالفت در غرستان بر افراختند .

تیمور شاه در ابتدا حاجی کریم داد عرض بیگی را مأمور تنبیه پسران درویش علیخان نمود که کاری از پیش نبرد و در مدد مصالحه برآمد . اما بعداً " حسن خان عمله باشی و محمد خان تایمنی و جعفر خان و در مان خان مغل و فرض علی خان هزاره و الف خان غوری و چند تن از بهادران طایفه قبیچاق و وروزی را به جنگ آنان فرستاد .

گروه اعزامی که از مناطق صعب العبور کوهستانات غرستان پیشروی میکردند در دره " شویج " با مخالفان رو ب رو گشتند و جنگ سختی به ظهور پیوست که در نتیجه پسران درویش علیخان با عده بی از جنگاوران کشته شدند و سپاه دولت با تحمل تلفاتی به پیروزی دست یافت ، این واقعه بسال ۱۱۸۵ بوقوع رسید .

پس از حادثه جنگ دره " شویج " برای بیگلربیگی قید و بند بیشتر وضع گردید و او - حالت یک نظر بنده بحالت یک محبوس درآمد در همین اوقات (۱۱۸۵) احمد شاه نسبت شدت مریضی ، تیمور را از هرات به قندهار طلب نمود ، هنگامیکه تیمور عازم قندهار گردید ، از دوفرسخی هرات به زبیل خان و آقایی خان بن محمد شاه خان دستر داد که به هرات برگردند و در رسان کردن درویش علی خان رایکسره نمایند .

تاریخ احمد شاهی گزارش میدهد که دستور بنابه تقاضای ارگان و هواخواهان دولت

وزارت گرفته است ، بقول مؤلف این تاریخ

هواخوان دولت چنین گفته بودند :

همه خاك رویان این در کهیم

زدل خیر خواهان ظل اللهیم

ضرور است اگر شاه ایزد شناس

پذیرد ز ماها همین التماس

که درویش علی را ز ملک بقا

نمایند روانه پدار فنا

که او مایه فتنه عالم است

به عالم چنان مکر بازی کم است

همین است اندیشه اش از قدیم

که بر پاکند فتنه های عظیم

خصوصاً درین وقت ای شهریار

که گردیده یی عازم قندهار

هزاره و ایماق و اهل نفاق

که دارند با او همه اتفاق

بهر گوشه یی فتنه بر پاکند

درین جابسی شور و غوغا کنند .

زبیل خان و آقایی خان ( پسر عم درویش علیخان ) به هرات مراجعت کردند و بیگلربیگی را که در زندان و بید فاع بود به قتل رسانیدند (۱۱۸۵)

شاه ولیخان وزیر از مردان مهم دربار احمد شاه بود که با درویش علیخان دوستی محکمی داشت ، در تاریخ احمد شاهی راجع به

این مرد کار دان و اینکه با سران قبایل و عشایر و از جمله بیگلربیگی دارای چگونه ارتباطاتی بوده و چه هوایی در سر داشته به تفصیل گفتگو شده و از جمله چنین آمده است :

۰۰۰ تا اینکه درین او ان به انجام کار درویش علیخان هزاره که اونیز به ایما و اشاره او از - شاهراه عبودیت انحراف ورزیده بود ، مأمور شد و از حضور فیض گنجور با فوجی از افواج متصور مرخص دار السلطنه هرات گردید ، به مجرد ترخیص از رکاب ظفر پرور بیشتر از پیشتر مصدر ادا های ناهنجار گشته در سر هوای دیگر بهم رسانید و بر اساس مواد تکبر و غرور خود افزوده قدم از مرتبه وزارت برتر نهاد (۲۲)۰۰۰

در مقدمه تاریخ احمد شاهی که توسط مرادوف به زبان روسی نوشته شده و دوکتور اسدالله حبیب انرا ترجمه کرده و در شماره - های سه و چهار سال ۱۲۵۲ و شماره اول سال ۱۲۵۴ مجله آریانا به چاپ رسیده است این مطالب راجع به شاه ولیخان وزیر و روابط او با درویش علیخان حکمران بنظر میرسد :

۰۰۰ شاه ولیخان پنهانی درویش علیخان حکمران هرات را به قیام علیه احمد شاه و شاهزاده تیمور شاه تشویق میکرد و بار بار می نمود .

درویش علیخان یکی از دوستان وزیر بود که با وی همیشه مکاتبه میکرد و بدون سرمو تخطی ، راهنمایی هایش را انجام میداد و وزیر پلانهای وسیعی داشت که بقول محمود الحسینی برای تطبیق آنها از حکمران هرات استفاده میکرد .۰۰۰ و چنان مینماید فقط ارتباط شاه ولیخان با درویش علیخان ، احمد شاه را واداشت که قاطعانه بر ضدش عمل کند .

و وزیر در (۱۱۷۸) از قندهار به هرات فرستاده شد



بسم الله الرحمن الرحيم  
ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويامروا  
بالمعروف وينهون عن المنكر  
قرآن کریم

### نظاره دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی

شماره

حوصله مندی ، دقت و دوراندیشی تمام و بی استفاده از نظریات ، پیشنهادات و طرحهای که از سوی کلیه مردم افغانستان ارائه میشود کار تدوین قانون اساسی کشور را عنوان اصلی ترین وثیقه ملی بعهده گرفته و سپس در معرض انجموم گذاشته ...

۱۵- در قانون اساسی آینده کشور باید حقوق ملیتها و مذاهب اسلامی کشور تا همین که بایستد و فقه جعفری در کنار فقه حنفی بعنوان اساسی تشریح و قانون گذاری رسمیت یابد .

۱۶- دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در تشکیل اردو اصول منظم و متحد ملای متشکل از کلیه مجاهدین و رزم آوران عرصه های جهاد و مقاومت و نیروهای باقی مانده از اردوی سابقه تحت نظر کمیسیون مرکب از نمایندگان تمام احزاب جهادی تا اکتیو می ورزد .

۱۷- سخنرانان و اشتراک کننده گان در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان مداخلات کشورهای خارجی در امور داخلی این کشور را منافی با استقلال سیاسی و حاکمیت ملی آن دانسته و از آن می خواهند که ضمن احترام به اصول و ضوابط شناخته شده بین المللی و با توجه بحق خواست ارادیت ب مردم افغانستان از اعمال نفوذ و سیاست گذاری در رابطه با قضایای داخلی این کشور جدا بپرهیزند .

والسلام

کمیته دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی

افغانستان

۶، ۷، ۸، ۱۳۷۲

## مرحیت یک تحول ...

آخرین سخن : ملت پیدار و آگاه مامیداند که اکثر روحانیت و فضیله حوزة حاضرورت ظهور مرجعیت را در جامعه تشیع سالها پیش درک کرده بودند در حال که فقها و اجدد شرایط مرجعیت هم داشتیم منتهی جرات و شهامت حرکت مرجعیت را نداشتند یا اوضاع و شرایط سیاسی زمان به آنها اجازه نمیداد .

اما حضرت آیت الله العظمی محقق در این مقطع حساس از تاریخ خونبار تشیع پای پذیرفتن این مسئولیت خطیر بزرگترین سدا هین را شکسته و بعنوان پرچم دار این حرکت نوین در تاریخ روحانیت از قداست و افتخار ویژه برخوردار است در این جالازم میدانم این حرکت تاریخی را به ولی عصر امام زمان (عج) و ملت شهید پرور و حوزة های علمیه اخلاقی دبیر کل حزب وحدت اسلامی حجت الاسلام امیدوارم علما و فقه های عالیقدر این تحول بنیادی در حوزة های علمیه پاسداری نمایند ، امید است این پرچم تاقیاسام مستقیم ال محمد (ص) برافراشته بماند انشالله .

مژده به علاقه مندان شعر و داستان بر اساس ارتباط ، تفاهم و وعده انجمن شاعران انقلاب اسلامی افغانستان در مشهد ، ازین به بعد صفحه از این نشریه به شعر ، داستان و خاطرات ایام جهاد مقدس اختصاص مییابد ، ضمن تشکر از انجمن شاعران ، از همه علاقه مندان استدعا داریم شعر ، داستان و خاطراتی اگر داشته باشند بمانند نمایندگان

( اداره طلوع وحدت )

ست سیاسی فعلی بوده و بر ضرورت تدوین هر چه عاجلتر آن تا اکتیو میگردد .

۶- ثانید اتوری احزاب و اشخاص مستقلا در انتخابات آینده یکی از بهترین راههای مشارکت عامه مردم در امر تعیین سررشت سیاسی خویش بشمار آمده ...

۷- با توجه به ساختار ظالمانه اداری در گذشته لازم است که انتخابات تنه با رمز معیار نفوس صورت گرفته و واحد های اداری بر اساس همین بنا تجدید سازمان گردد .

۸- برای برگزاری انتخابات و حفظ سلامت آن ایجاد ثبات سیاسی و استقرار نظم عمومی و تاءمین امنیت همه گانی پایان جنگ و تسلا سلاح ، تفاهم احزاب جهادی و خلع سلاح عمومی توسط يك مرجع مقبول و مشروع ملی جزء ضرورت های اساسی و عمده بحساب آمده و بار دیگر مورد تا اکتیو قرار میگردد .

۹- زمان اجتماع نیمی از بیکره امت اسلامی است و با توجه به نقش و حضور زنده آنان در مقاومت کبیر ملی و اسلامی باید در تمام عرصه های حیات اجتماعی ، سیاسی کشور و از جمله انتخابات سهم فعال داشته و حضورشان در امر انتخابات شدن و انتخابات کردن تا اکتیو و تضمین گردد ، همچنین در هر مجموعه قانون گذاری و از جمله تصویب و تدوین قانون اساسی حضور زنان مسلمان و محاهد کشور ما الزامی ، ضروری تلقی میشود .

۱۰- با توجه که هنوز هم میزان جمعیت و مسئله تابعیت کوچیهای کشور حل نگردیده و این امر میتواند مشکلات سر راه برگزاری انتخابات بسنه وجود آورده داشتن تذکره ، تابعیت و تشخیص هویت از شرایط عمده شرکت در انتخابات بسنه حساب می آید .

۱۱- نظارت سازمان ملل متحد ، سازمان کنفرانس اسلامی کشورهای اسلامی و با هر مرجع مقبول بین المللی دیگر بر امر برگزاری انتخابات در کشور مورد حمایت همه جانبه بوده و ضروری تلقی می گردد .

۱۲- کمیونی که برای تدوین و تصویب اصول اساسی موقت کشور تشکیل گردیده و در این روزها کار تصویب اصول شتاب زده یاد شده راپیش می برد برخلاف مفاد معاهده اسلام آباد و توافقات جلال آباد بوده و تشکیل و ادامه کاران غیر قانونی و مغایر وحدت ملی ، تمامیت ارضی و استقلا ل کشور و همچنین اصول و ضوابط عدالت خواهانه ، اسلام تلقی میگردد و در نتیجه تمام مصوبات آن فاقد ارزش و اعتبار قانونی و شرعی میباشد .

۱۳- کمیون یاد شده همچنین بعنوان عامل جنگ و تشدید دور بحران سیاسی کشور ، گسترش دامنه جنگ های فرقه ای و جلوگیری از برگزاری انتخابات عمومی ارزیابی میگردد .

۱۴- اشتراک کننده گان در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان تا اکتیو می ورزند که قانون اساسی کشور را بصورت يك شبه نمیتوان تدوین و تصویب کرد ، لازم است که يك نهاد قانونی متشکل از آگاهان فقیه سیاسی اسلام و حقوق دانان و صاحب نظران مسائل سیاسی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی تشکیل گردیده و با

دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در شرایطی برگزار گردید که ملت شهید پرور ما یکی از حساس ترین و دشوارترین مراحل تاریخی خویش را پشت سر گذاشته و هم اکنون در برابر پیچیده ترین و سنگین ترین بحرانهای سیاسی و اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ، اخلاقی و ورزشی قرار گرفته است .

در این سمینار که به ابتکار کمیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی و با حضور صد هاتن از اندیشمندان صاحب نظران و حقوق دانان سیاست مداران و استادان دانشگاه ، مقامات عالی رتبه دولتی ، فرماندان جهادی و نمایندگان تنظیمهای جهادی و نمایندگان برخی از کشورهای خارجی در روزهای دوشنبه و سه شنبه ۶ و ۷ میزان سال جاری تشکیل یافت ، اساسی ترین و عمده ترین مسائل کشور توسط سخنرانان ، صاحب نظران و نخبه گان ملی این سرزمین مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برای بیرون رفت از بحران فعلی طرحها و پیشنهادات ارزنده و درخور ستایش ارائه گردید این سمینار ضمن گرمی داشت یاد و خاطره شهدا انقلاب اسلامی و تجدید میثاق با مردم مسلمان و مقاوم افغانستان موارد ذیل را بعنوان نتیجه و حاصل کار آن به استحضار ملت مسلمان افغانستان و انسانهای آگاه و سالم جهان میرساند :

۱- همانطوریکه در جهاد از ادب بخش اسلامی کشور همه مردم افغانستان اعم از پیشتون ، هزاره ، ازبک ، تاجک ، نورستانی ، بلوچ ، پشه ای ، عرب ترکمن ، شیعه و سنی اشتراک داشتند و در بیرون راندن اشغالگران روسی و سرنگونی رژیم و وابسته آن سهم داشتند ، در ساختار سیاسی این سده و تصمیم گیری های اساسی مربوط بکشور نیز باید همه اقوام ، ملیتها ، پیروان مذاهب اسلامی و احزاب جهادی حضور و شرکت متناسب داشته باشند .

۲- اشتراک کننده گان در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان ، سیاست انحصار طلبی و حکومت تک حزبی و فرقه گراشیهای متعصبانه ، مذهبی را به نفع مصالح انقلاب اسلامی ندانسته و معتقد است که باید نظام سیاسی چند حزبی بر اساس آزادیهای مشروع و در چهار چوب ارزشها احیا گردد .

۳- توسل به شیوه های قهر آمیز و خشونت های مسلحانه و در نهایت تکیه بر سیاستهای جنگ طلبانه برای همیشه محکوم بوده و تنه راه تحقق آرمانهای ملت مسلمان افغانستان تشکیل يك دولت نیرومند و مقتدر مرکزی بمنظور تاءمین صلح و استقرار امنیت و تفاهم احزاب و جریانه های سیاسی و تحمل و پذیرش یکدیگر حل مسالمت آمیز اختلافات از طریق مذاکرات سیاسی میباشد .

۴- معاهده اسلام آباد و توافقات جلال آباد که امضای رهبران جهادی و نمایندگان آنها رسیده و سراغاز فصل نویی از مناسبات احزاب و اطراف قضایای افغانستان بشمار می آید باید مورد احترام قرار گرفته و مفاد آن تطبیق گردد تخلف این معاهده و توافقات جزء تشکیل دور بحران کشور حاصل دیگری نخواهد داشت .

۵- انتخابات مستقیم و عادلانه یگانه راه تعیین حاکمیت ملی ، مشروع و مقبول و بیرون رفت از این

### مصاحبه اختصاصی با آقای نبی

س - برادر محترم آقای فهیمی، ضمن تشکر و قدر دانی که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید لطفاً مختصری از بیوگرافی و سابقه مبارراتی تان را برای خوانندگان ماهنامه طلوع وحدت بیان فرمائید ؟

ج : باتشکر و سپاس فراوان از مسئولین محترم کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی افغانستان شاخه کویته به ویژه برادران دست اندرکار جریده طلوع وحدت ، اینجانب حسین بخش فهیمی فرزند غلام رضا ساکن قریه عبدالکانار - توابع ولایت بلخ دارای مدرک تحصیلی دیپلم در رابطه با سابقه مبارراتی ام عرض کنم که بعد از سال ۱۳۵۷ که کمونیست ها در افغانستان قدرت را بدست گرفت ، تمام اقشار ملت افغانستان علیه آنان قیام کردند و دست به مبارزه زدند لذا بنده هم بعنوان قطرهٔ اران دریای بیکران - مدت چهار سال در سنگرهای نظامی این افتخار را داشتم که در خدمت مجاهدین باشم ، در سنه ۱۳۶۱ جهت فراگیری فنون نظامی عازم جمهوری اسلامی ایران گردیدم ، پس از سپری نمودن دوره های آموزش نظامی و فرهنگی عازم وطن بودم که از طرف امام حسن (ع) شمال کشور نامه ماموریتم عنوان مسئولیت خارج برایم رسید ، تا سال ۱۳۶۵ - در بخش های مختلف ۰۰۰۰ ایفای وظیفه مینمودم و در هجده ماه قوس سال ۱۳۶۵ با عدهٔ از برادران - عازم داخل کشور شدیم و مدت چند ماه دیگر نیز در خدمت مجاهدین بودم ، مجدداً در سال ۱۳۶۶ ماموریتی که برادران برایم داد به جمهوری اسلامی ایران برگشتم مشغول انجام وظیفه شدم که تا تشکیل حزب وحدت اسلامی ادامه داشت و اران به بعد هم مسئولیت ارتباطات حزب وحدت اسلامی را به عهده دارم .

س - چند سال از کار شما در بخش مخابرات سپری میشود ، آیا شما در این قسمت آموزش اختصاصی هم دیده اید ؟

ج : عرض کنم اینکه از بدو افتتاح دفاتر و نمایندگی های حزب وحدت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران بخصوص شهید مقدس این مسئولیت به عهده من گذاشته شده بود ، حدود دو ماه بصورت غیر مستقیم کار میکردم و بتاريخ ۲۹/۹/۶۹ رسماً " دستگاه مخابرات را تحویل گرفتم و اران زمان تاکنون نزدیک سه سال میشود که در این بخش کار میکنم اما در قسمت دوم سؤال شما در اواخر سال ۱۳۶۲ در دوره تخصصی نظامی بصورت تکمیل آموزش بی سیم های مختلف النوع را دیده بودم ولی قبل از اینکه مسئولیت بی سیم را بصورت رسمی عهده دار شوم شوم بصورت اختصاصی و فشرده نیرام آموزش دیدم .

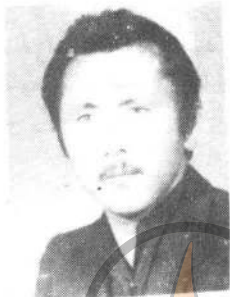
س - شما که خود وظیفه مهم ارتباط خارج با داخل کشور را داشته اید چه خاطره هائی از لحظات حساس و سرنوشت ساز در گذشته دارید ؟

ج : در رابطه با این سؤال شما باید گفت که تمام دوران چهارده سال جهاد مقدس خاطره بوده و بخصوص این سه سال ، اخراً " ارمان پیروزی مجاهدین و ارادی شهرمزار شریف ، چرا که سه اژتاریخ ۱۵/۲/۷۱ پس از آزادی شهر کابل تاکنون پانزده جنگ بالای مردم ماتحمیل شده و در تمام این جنگ ها اگر خودم در خارج بودم ولی روحم قدم به قدم با عجز بان مجاهد و سنگر داران عزت و شرف همراه بود ولی لحظات بسیار حساس و سرنوشت ساز برای من از تاریخ ۲۵/۱۲/۷۰ الی ۱۵/۲/۷۱ یعنی بمدت ۵۰ روز بود از اول تحولات که از شمال کشور آغاز شد الی فتح کامل

شهر زاهدان و کنگر اوقات بصورت شانسه روزی در محل کارم حضور داشتم ، اینجلا لازم است از کلیه برادران محترم مسئول در شبکه های مخابراتی حزب وحدت اسلامی که بصورت مخلصانه بدون احساس خستگی فعالیت نموده اند تشکر و قدر دانی نمایم .

ولی خاطره فراموش نشدنی و در عین حال لذت بخش برای من از تاریخ ۲۴/۲/۷۱ تا تاریخ ۲۸/۲/۷۱ یعنی سیزده شب و روز بود که در این مدت خستگی

ده دقیقه نمیتوانستم بی سیم را خاموش کنم و نه اطاق کار را ترک ، جز در موقع نماز و غیره ۰۰۰ لازم میدانم از کلیه همکاران عزیزم در دفتر مشهود مخصوصاً " حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای محقق مسئول محترم دفتر و برادر بسیار خوب و عزیزم حاج آقای سلطان معصومی قندهاری تشکر نمایم که در این مدت یاد شده کمال همکاری را نمودند چنانچه اکثر برادران در جریان هستند اکثر شبکه های حزب در داخل دویاسه نفری بودند ولی من تنها بودم ، اگر چه برادر عزیزم آقای معصومی قندهاری در مدت این پنجاه روز مرآتیا نگذاشت ، ایشان فقط کاری که میتوانست تلفن ها را جواب می گفت و با بعضی نوشتنی ها را می نوشت اما در رابطه با مسائل ارتباطی ار نظر ضوابط تعیین شده نمیتوانست با ما همکاری نماید وی اسرار میکرد که باید چند لحظه استراحت کنم اما مرا خواب نمیرد یکسره کار میکردم ، دقیق بادم هست که ظرف ۳۶ ساعت اصلاً " سردر بستر نگذاشتم با عشق و علاقه فراوانی کار میکردم در مدت یکماه اصلاً " نتوانستم از خانواده ام احوال



بگیرم ، پیروم رضا جان که دوساله بود از بس شب روز مر اسراغ گرفته گریه میکرد ، خانواده - ام مجبور شده بود که توسط یکی از همسایگان به دفتر بفرستد که تا ما را ببیند ساکت شود .

همه این مشکلات به این امید بود که دوران - هجرت و مشکلات جهاد چهارده ساله رو به پایان است ولی غافل از این که هنوز ابتدای کار است س : شما که در جریان تمام مسائل سیاسی و تحولات کشور قرار دارید نظرتان در مورد بازگشت فعلی مهاجرین چیست ؟

ج - قبل از پاسخ به سؤال شما لازم می بینم مقدمه ای کوتاه خدمت تان عرض کنم ۱ از آنجا که کشور اسلامی افغانستان در قلب آسیایه و بادوکشور اسلامی (ایران و پاکستان) هم مرز مشترکات تاریخی ، مذهبی ، فرهنگی دارد ، لذا پس از ویکار آمدن کمونیست ها بر اساس معتقدات دینی بخشی از مردم مادر این دو کشور اسلامی مهاجر گردید . و اما پاسخ به سؤال شما را باید در دو بخش جداگانه بررسی کرد .

۱ - مهاجرینی که در پاکستان زندگی دارند در بعضی از کمپ ها از سوء سسات خیریه جهانی حتی المقدوره آنان رسیدگی میشد و در عین حال اکثریت مهاجرین از نظر کار و کسب و تردد در شهرستانها زاد بوده اند و تا هم اکنون مشکلات خاص دیده نمیشود ، بانوجه به اینکه افغانستان

سرزمین ما است در طول انقلاب اسلامی خصوصاً پس از پیروزی بخشی از مهاجرین ما از پاکستان بط شکل داوطلبانه به کشور برگشته اند ولی ممکن است جنگهای داخلی و ناامنی راهبات تاثیر بر روند بازگشت داشته باشد بهر صورت فعلاً " در پاکستان وضعیت زندگی مهاجرین رضایت بخش است .

۲ - مهاجرینی که جمهوری اسلامی ایران است : اولاً " اینکه این مهاجرین مدت ۱۴ سال است در ایران زندگی کرده و اکثر " مشکلات حقوقی دارند از قبیل منزل ، مغازه ، طلبکاری و بدهکاری و داشتن همسر ایرانی ، بعضی از مهاجرین که این طرح سه ساله وسه جانبه کافی نیست زمان بیشتری نیاز دارد .

دوماً " جمهوری اسلامی مشکلات بازگشت مهاجرین و شرایط فعلی افغانستان را درک میکند فعلاً " در افغانستان کاریست ، مواد غذایی و سوخت بانوجه به رسیدن فصل زمستان از همه مهمتر در هنگام بازگشت امنیت مال و جانشان تا مین نیست اگر تصمیم عادلانه و طرح معقول در نظر گرفته نشود بانوجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران خود را ام القرای اسلامی مینامد تاثیر بسیار بد در روابط آینده دو کشور خواهد داشت .

س : آینده افغانستان را چگونه پیش بینی میکنید آیا مشکلات موجود به این زودی با حل خواهد شد ؟

ج : در افغانستان اقوام و ملیتهای مختلف زندگی میکند و در تمام دوران جهاد مقدس همه اقوام شرکت داشتند و همه شهید دادند و همه در آزادی کشور شریک هستند ، بنا " باید رهبران محترم احزاب جهادی با در نظر داشت واقعیت های موجود داخل کشور از راه مذاکره و توافق فیما بین یک حکومت اسلامی قابل قبول ( جامع ) بدون تبعیض که در برگیرنده حقوق همه باشد تشکیل دهند ، انوقت آینده افغانستان روشن و هیچگونه موانع وجود نخواهد داشت .

س : چه پیامی برای ملت افغانستان دارید ؟

ج : من کوچکتر از آنم که برای این ملت شجاع و قهرمان پرور که به دنیا قدرت و توان خود را با متلاشی کردن ابر قدرت شرق ( شوروی سابق ) نشان داد داشته باشم ، ولی بعنوان یک فرد انسانی خواهش ام اینست که با وحدت و یک پارچگی خویش از دست آورد های انقلاب اسلامی که خونهای شهدای غریب است دفاع نموده در برابر توطئه های دشمنان و دخالت قدرتهای خارجی مردانه بایستید و نگذارید که تاریخ رقت بار گذشته در قالب حکومتها بر مردم ماکرار شود .

والسلام

## سخن سخرانی استاد محقق

عربی هر جاه مهاجر شیعه و هزاره است کتباً و بکمک های مالی از حزب وحدت اسلامی حمایت کرده است ، این حمایت بی دریغ مخصوصاً حمایت سیاسی شان و اعلام پشتیبانی شان این باعث تقویت قلب برادران در کابل است .

علی ای حال قرار بود من بیشتر وقت شما را بگیرم و رشته سخن را به استاد ابیت الله محقق خراسانی میسپارم ، بار دیگر از مهمان نسوازی و استقبال گرم همه برادران تشکر میکنم .  
والسلام  
۱۴ ر ۸ ۱۳۷۲

# مسئولیت پذیری در

بیت زوجه‌ها و مسئوله والعبدراع علی مال سیده و مرستول الاکلکم راع و کلکم مسئول (۹)

همانا هر کدام از شما نگهبان و مسئولید امام و پیشوا نگهبان و مسئول مردم است زن نگهبان و مسئول خانه و شوهر خویش است ، غلام نگهبان و مسئول آقای خویش است ، هان ! پس همه نگهبان و همه مسئولید .

چنانچه تحولات پی در پی و حوادث روز افزون و سرنوشت ساز ، در کشور های اسلامی خصوصا " سرزمینهای در حال جنگ و درگیری بویژه افغانستان را مرز دار ژبانی قرار داده و علت تمام ناسامانها و درگیری ریشه بایی نمایم به این نتیجه میرسیم که :

طبق حدیث معروف " الکفر ملقه واحده امروز دشمنان اسلام به سرکردگی امریکای جنایت کاری تمام قوا و نیرو ، امکانات و توانائی خویش بجنگد اسلام و حاکمیت آن برخاسته و غارتگران بین المللی غرب ، تحت رهبری کاخ سفید در قالب منظم نوین جهانی از طریق ابادی اش - در منطقه تلاش دارند که فرهنگ مبارزاتی اسلام را از امت و جامعه اسلامی بگیرند .

بدون شك این توطئه خدنگناك ، جلو گیری از موج اسلامی گرائی و اسلام خواهی در منطقه ، تضعیف مبارزات مسلحانه و به سازش كشاندن رهبران نهفتنهای اسلامی و از ادبیخشی ایجاد درگیری داخلی ، وارد كردن فرهنگ میتذل و بدام انداختن جوانان پر شور به کشورها - به تبلیغات زهر آکین علیه رهبران انقلابی و در نتیجه تسلط سیاسی بر سرنوشت و مقدرات - ملت های مستضعف و وابسته كردن آنان را در ابعاد مختلف در پی خواهد داشت .

۴ - وظایف مادر شرایط فعلی :

بعقیده ما استکبار جهانی با تحمل شکستهای متعدد و جبران ناپذیر در تجا و رها و لشکر کشیهای خویش خصوصا " پس از شکست سیاسی ، نظامی و فرهنگی روسها در جنگ ۱۴ ساله مجاهدیسن و در یادان سرزمین اسلامی افغانستان و فروپاشی امپراطوری شوروی سابق و تجاوز صدام بکشور ۰۰۰ ایران و ۰۰۰ دیگر از طریق نظامی و جنگ رودر رو با مسلمانان میدان مبارزه نیامده بلکه جنگ و مبارزه فکری و فرهنگی خواهد بود .

با این وصف ، امت اسلامی در سراسر جهان ، مخصوصا " ملت مسلمان ورنجدیده افغانستان ، با آگاهی و آشنائی لازم و روحیه مسئولیت پذیری در برابر مکتب و کشور کمر همت بر بسته و مقاوم و پابدار ، اذیع و مصمم متحد و یکپارچه ، از اهداف عالی اسلام دفاع نموده و رسالت اصلی و اساسی خویش را در راستای آزادی جامعه و توده های مستکشیده از قید و بند امارت انجام دهند .

فلیقاتل فی سبیل ۰۰۰ الذین یشررون الحیوا الدنیا بالآخره ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یقلب فسوف نؤثیه اجرا عظیما و مالکم لاتقنا تلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون ربنا اخر جنامن هذه القریه الظالم اهلها وجعل لنا من لدنك ولیا وجعل لنا من لدنك نصیرا " .

در آغاز این آیه شریفه حرف فا ( آمده تا مضمون آیه را تصریح بر ماقبل کند و بفهماند که مابعد آن نتیجه ماقبل آن است ، در ماقبل

مسلمانان را سوی جهاد تحریک میکرد و کسانی که از آن گراخت داشته و برای بیرون رفتن بیوفی جهاد امروز و فردا میگردند مذمت می کرد و در این آیه مجددا " مردم را برای تحریک برای قتال در راه خدا عشار میدهد که همه آنها مؤمن و با اسلام خود تسلیم شدن شان در برابر خداوند تعالی آخرت را از زندگی دنیام خریده اند .

انگاه به فائیده قتال ( البته قتال بوجه حسن ) که به هر حال اجری عظیم است تصریح نموده می فرماید : **ومن یقاتل فی سبیل الله ۰۰۰** با این کلام خود بیان کرد که امروز بنده در راه خدا منتهی به یکی از دوسر انجام محمود و پسندیده میشود یا منتهی به این میشود که در راه خدا کشته شود و پیاپی این که دشمن خدا علیه پیدا کند و او سهر حال اجر عظیم خواهد داشت و اگر شق سوم سرنوشت جنگ که عبارت از فرار کردن که بسد کشتن است و نه کشته شدن را ذکر نکرد برای این بود که اشاره کند به اینکه رزمنده در راه خدا فرار نمیکند .

عطف جمله مستضعفین بر موضع لست الله به آیه این مسی را میدهد که چرا در راه خدا نمی رزمید و چرا در راه نجات مستضعفین نمی جنگید و این آیه شریفه نیز تحریکی دیگری است بر قتال ، که با تعبیر استقام ، انجام شده استقامتی که به یاد می آورد که قتال شان ، قتال در راه خداست و فراموش نکنند که در چنین قتالی هدف زندگی سعیده شان تا همین میشود چون در زندگی سعیده هیچ آرزو و هدفی جز رضوان خدا و هیچ سعادتتی بر محتوای آن قرب بخدانیست و به یاد داشته باشند که قتال شان قتال در راه مردم و زنان و کودکانی است که به دست غداران روزگار به استضعاف کشیده شده اند و بنابراین در این آیه شریفه تحریک و تهجی است برای تمامی مؤمنین چه انهایی که ایمان شان خالص است و چه انهایی که ایمان شان ضعیف و ناخالص است ، اما انهایی که ایمان شان خالص و دلای شان پاک است برای بحرکت در آمدن شان بسوی قتال ، همان یاد خدای عزوجل کافی است تا برای اقامه حق و لبیک گفتن به ندای پروردگار شان و اجابت دعوت داعی او ، به پا خیزند .

اما انهایی که ایمان شان ناخالص است اگر یاد خداگان شان داد که هیچ ، اگر یاد خدا کافی نبود این معنی نکال شان میدهد که اولاً " این قتال شان ، قتال در راه خداست و ثانیاً قتال در راه مشتی مردم ناتوان است که بدست كفار استضعاف شده اند و خلاصه کلام این که :

آیه شریفه به این دسته از مردم میفرماید : اگر ایمان به خدای تان ضعیف است حداقل غیرت و تعصب که دارید و همین غیرت ، اقتضا میکند از جای برخیزید و بر دشمنان را از سربك مشت زن و سچه و مردان ضعیف کوتاه کنید .

آری اسلام هر چند که هر سبب و نسبی را در برابر ایمان ، هیچ و بیچ دانسته لکن در عین حال همین بیچ و هیچ را در ظرف ایمان معتبر شمرده بنابراین بر هر فرد مسلمان واجب است که بخاطر برادرانش که بسبب ایمان ، بین وی و آنان برادری برقرار ساخته و نیز بخاطر برادران نبی و سایر خوبش و ندانش از زن و مرد روزراری ( در صورتیکه مسلمان باشند ) فداکاری کند و غیرت به خرج دهد که اگر چنین کند مستضعفین از خویشاوندان خود رانجات دهد همین عمل نیز

بالاخره ، سبیل الله خواهد شد نه اینکه در مقابل سبیل ۰۰۰ عنوان دیگری داشته باشد ( ۱۰۱۰ )

- پاورقی ها
- ۱- جهاد بانفس آیت الله مظاهری ج ۱ ص ۲۱۶ ادامه دارد
  - ۲- قرآن کریم سوره نحل آیه ۸۹
  - ۳- قرآن کریم سوره نحل آیه ۸۹
  - ۳- قرآن کریم مائیده آیه ۱۶
  - ۴- سوره بقره آیه ۱۴۳
  - ۵- آل عمران آیه ۱۰۹
  - ۶- آل عمران آیه ۱۰۳
  - ۷ و ۸- اخلاق و معاشرت در اسلام ص ۲۱۸
  - ۹- سری در نهج البلاغه ص ۱۲۹
  - ۱۰- ترجمه تفسیر نهج البلاغه ج ۴ ص ۶۷۱ چاپ انتشارات اسلامی .

## دریغ علخان سزاه

همه قرار داشته اند و حتی در ابتدای پیروزی چند مقام و منصب هم برایشان داده شده ولی همینکه پایه های برادران دیگر مستحکم شده از طریق توطئه ها و دسائیس مقام و مناصب دوباره گرفته شده منصوبین به رندانها و اشام هاسوق داده شده است .

امروز که بارشادت و پیامردی و تحمل بیشترین رنج و رحمت مردم ماتوانسته

است تا اندازه هویت خود را در ساحه نظامی تثبیت کند باید هر فرد از تجارب تلخ و سرنوشت غم آلود قهرمانان این مردم همانند درویشعلی خان هزاره و صد های دیگر بیامورند و هیچ گاه به این دست آورد ها غره نشوند و دوزنمای مردم را از يك دید طولانی ار ریایی کنند ، چه تاریخ کواست که این مردم در حفظ و حراست استقلال کشور ، در اعمار و آبادانی کشور و در نگهداشت تمامیت ارضی کشور همیشه با برادران دیگر در افغانستان هم دوش بوده اند ولی متاءسفانه اردست آورد های آن مستفید شده اند ، این بار که فرصت ناچیزی بدست آمده باید بکوشیم تا وحدت مردم را مانند مردمك چشم کرامی داریم فریب دشمنان را نخوریم و گرایشات ناسالم گروه گرائی محلی گرائی و تعصبات بی جای شئونبستی را از خود دور سازیم ، زیرا بنا بر اساسه ضرب المثلی اگر دسته نیر از درخت نباشد درخت شکستن دشوار مینماید .

### توضیحات :

- ۱- درین باره محمد افضل اررگانی مولف کتاب مختصر المنقول ( تالیف در ۱۳۳۲ق ) چاپ هند معلومات داده است .
- ۲- عبدالروف بینوا ، هوتکی ها ، چاپ کابل ۱۳۳۵ ص ۸۹
- ۳- میرر امهدی خان استرآبادی ، جهانکشیای نادری ص ص ۱۶۳- ۱۶۴
- ۴- محمد کاظم ، نامه عالم آرای نادری چاپ سوم ، چاپ مسکو ، ۱۹۶۶ ص ۳۶۷ ، ۳۶۹
- ۵- همان اثر ص ۳۶۹
- ۶- ایضاهمان اثر
- ۷- محمود الحسینی تاریخ احمد شاهی جلد دوم چاپ مسکو ۱۹۷۴
- ۸- عربیرالدین فوفلرائی ، تیمورشاه درانی جلد اول ص ۱۱۶ و ۶۳
- ۹- تاریخ احمد شاهی جلد اول ص ۲۷۵ و ۲۷۶



### آیت الله العظمیٰ آقا محمد تقی جعفری

کثر کوناهای برژندگینامه روحانی مجاهد، سردار رشید اسلام، فرمانده قهرمان ودلیبر حـزب وحدت اسلامی افغانستان در ولایت غور حجت الاسلام الحاج شهید محمد علی (شریفی) لعلی در فرهنگ اسلام شهادت در راه خداوند (ج) عالیترین درجه کمال انسان است و شهیدان اند که با ایثار خون شان به رگهای خشکیده، ترزریق خون نموده و با مردن شان بر بیکر فرسوده اجتماع حیات بخشیده و با سوختن شان محافل تاریک شربت را روشن مینمایند و به انسان بودن معنی میدهد و به آزادی جان و به ایمان امید می بخشد.

اینک بخشهایی از زندگانی روحانی مجاهد و مبارز ستاره شهید حاجی شریفی لعلی را بطور فشرده بررسی مینمائیم:

۱- بخش ولادت: شهید محمد علی شریفی در سال ۱۳۴۱ در خانواده مسلمان و موهمن و مذهبی در قریه گرماب سفلی مربوط به ولسوالی لعل و سر جنکسل در ولایت غور ات چشم به جهان گشود و بر اساس سنن اسلامی و مذهبی پدر و مادر موهمن و متعهدش پرورش یافت و هفت سال از عمرش سپری گردید.

۲- بخش تحصیلات: با سپری شدن دوران طفولیتش استعدادش را قابل توجهی که در وجود او تبلور داشت احسانات اسلامی و مذهبی پدر و مادر بر او اثر را بر او فرودت تسلیت آفرین برای تعلیم شامل کلاس مدرسه نمود. بعد از موختن سه کلاس ابتدایی جهت تعلیم قرآن و کتابهای اسلامی و سنتی آن روز پیش آموزگاران مذهبی محل فرستادند.

شهید شریفی در مدت کوتاهی قرآن و کتابهای مرسوم آن زمان را اموخته و برای کسب فیض و قدم گذاشتن در دانشگاه امام صادق (ع) وارد حوزه علمیه گردید و از همان اوان قدم گذاشتن در حوزه علمیه از روحیه بالا و سازش ناپذیری برخوردار بوده و در برابر ظلم و سب و دگرگونی نظام از سبب رعیتی ۰۰۰۰ نهایت حساسیت داشت و در کنار اموختن علوم اسلامی با هر گونه استبداد و سبب عدالتی و استثمارگری مخالفت ورزیده و در جهت آگاهی مجروحان و جوانان تلاش جدی داشت.

شهید شریفی در ایام تحصیل از محضر اساتید معظّم، شیخ علی حسن کابلانی، استاد خسروی و استاد محقق قزل، استاد فاضل نوی قبرستان استاد موسوی تل دوستک و اخیراً "در حوزه علمیه شهید کسب فیض نموده است و از شاگردان ممتاز حساب می آید.

۳- بخش مبارزات شهید: شهید شریفی ایمن عقاب تیز پر و از قله های جهاد از آغاز کودتای ننگین ۷ ثور ۵۷ مبارزه را با سر سپرده کان مکتب پوشالی کمونیسم آغاز نموده و در طول انقلاب اسلامی افغانستان همیشه در سنگر جهاد قرار داشته و یکی از فرماندهان متعهد و صادق و بسا تجربه مجاهدین منطقه بود جایش سنگسرها و رقیبش تفنگ و راحت که اش کوه پایه های سر به فلک کشیده میهن بود و در تمام عملیات چریکی و پارتیزانی مجاهدین علیه قسوا و روس متجاوز پیشواز و صدای تکمیرش آرام بخش دل های مجاهدین بود و در جمع همسنگران قوت بخش روحیه پیروزی.

از روحانی بود و شاگردان مکتب سرخ شهادت و هم بهترین چریک و کاملاً " آشنا به مسائل نظامی که ژبره کی و برنامه ریزی دقیق

### زندگینامه روحانی شهید محمد علی (شریفی)

شهید شریفی با تفکر اسلامی و روشن بینی خاصی که داشت به هیچ وجه حاضر نمیشد که چهره پاک انقلاب اسلامی توسط عناصر مفسد و خوائف من منطقه که سالیان دراز مردم محروم و ستم دیده و مسلمان منطقه راه بند اسارت خودهای کشیده بودند لووت شود و از طرفی هم توفندگی انقلاب اسلامی انقدر زیاد بود که دشمنان انقلاب از آن استفاده کرده و در صف انقلابیون پیوستن و همچون گرگان با جویبان به نغمه سرائی پرداختند.

شهید بخاطری جلوگیری از این خطر همراهی عده از طلاب متعهد به انقلاب علیه عناصر مفسد منطقه دست به مبارزه زده و خواهان قطع ستم و سب و آزار آنان در جامعه اسلامی بودند.

او در مسایل جنگی که برخاسته از ایمان قوی او به خدا و عشق به انقلاب اسلامی بود باعث شد که خود و همزمانش در تمامی عملیات از خطرات دشمنان انقلاب و سپه اسلامی تا پیروزی ملت مسلمان و مجاهدین قهرمان افغانستان سالم بماند.

شهید شریفی با دور اندیشی که داشت، نیاز مردم منطقه اش را به امور فرهنگی در نظر گرفته و طرح و پلانی بمدت دو ماه در خارج از کشور مسافرت و اتلاش سی وقفه و سبیل فرهنگی قابل توجه از قبیل: کتب دینی، مذهبی، حوزه، کلاس

و بدو، جنراتور برق، دوربین فلم برداری و تلویزیون رنگی، چندین بلندگوی کوچک و بزرگ و دستگاه امپلی فایر و ۰۰۰ فراهم گردیده و شهید رحمت انتقال اثر در داخل خود سبیده گردیده و همراهی ۱۲۰ نفر از مجاهدین در محرم سال ۱۳۶۷ -

عازم داخل گردیده و این وسایل مهم و سنگین فرهنگی مجاهدین را بطور سالم و با موفقیت کامل در منطقه رسانیده و مورد استقبال گرم مسئولین مردم چشم براه آن سامان قرار گرفت و چون مردم و مسئولین قبل از این چنین خدمات بسیار عالی فرهنگی و نظامی از ناحیه شخصی و اشخاصی چشم ندیده بودند.

شهید شریفی در طول انقلاب اسلامی خود یکی از استوانه های وحدت و اخوت اسلامی در منطقه بود. زمانیکه آتش جنگهای گروهی و حزبی دامن کبر خضلی از مناطق اید و از لعل و سر جنکسل برادران مجاهد از گروه های اسلامی متعدد در کنار هم برادر و از زندگی نموده و هیچ خاطره تلخی بجمد الله بوجود نیامد، این قضیه نشانگری تعهد و عداقت و بینش عمیق و وسعت فکری و صدای مسئولیت دلسوز و خدمتگذار و مردم قهرمان آن منطقه میباشد و شهید شریفی یکی از شخصیت های باتدبیر و اندیشمند منطقه بود بخاطر اخوت اسلامی و جوی سالم و تفاهم برادرانه که در بین مسئولین منطقه لعل همیشه حاکم بود مسئولین سر بلند و مردم همیشه در صحنه لعل افتخار میزبانی حزب وحدت اسلامی افغانستان را بدست آورده و اولین جلسات شکل گیری این حزب از لعل و پنجاب آغاز میشود.

شهید شریفی با باقت و صداقت و تعهدی که از خود در طول انقلاب اسلامی و در صحنه های گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعاتی نشان داده در راه ای تشکیل حزب وحدت ۰۰۰ تلاش خالصانه و عراوان انجام و عملاً " از وحدت خواهان واقعی و مختص بود و از آغاز تشکیل حزب

وحدت اسلامی بعنوان یکی از فرماندهان دلیر و باتعهد و تجربه ای حزب وحدت اسلامی در منطقه ارسوی مسئولین بلند پایه ای این حزب انتخاب گردیده و تا هنگام شهادت به این سمت با قس می ماند.

۵- بخش شهادت: با ترسیم که تا اینجای زندگی این شهید بزرگوار بشما دادیم روشن شد که شهید شریفی ها ۰۰۰ همیشه خار چشم برای دشمنان بوده و از او سخت ترس و هراس داشتند که این سبب همیشگی دشمنان است، زیرا که استعمار ارام می ترسد؛ لذا دشمنان کوز دل و عوامل ضد وحدت ۰۰۰ چندین بار اقدام به ترور این فرمانده قهرمان کردند، بکمترتیه در سنگ قشقه ای ایماق ۴ در قریه چل سر جنکل که سه نفر از اقوام شهید در این سب قصد مخروح گردید و مرتبه سوم در تاریخ ۷ آذر ۷۲ روز هفتم محرم بعد از ظهر در قریه گرماب سفلی



در حالیکه شهید مشغول نماز خواندن و مناجات با خدای خویش میباشد سه نفر از سر سپرده کان و عوامل ضد وحدت اسلامی بانقشه ای از قبل طرح شده اقدام به ترور این فرماندهی دلیر نموده و او را به شهادت میرساند. این از خدایی خبیران و بیزبیدان زمان به این جنایت بزرگ اکتفا نکردند بر جنایات شان ادامه داده و ۳ تن از یاران و هم سنگران صمیمی شهید را که عبارت است از شهید بهمن علی نوری ۲، شهید علی بخش انصاری ۲، شهید خاکپوره شهادت میرسانند و عاملین این جنایت نیز بدست پیر توان نیروهای حزب وحدت اسلامی بسزای اعمال ننگین شان میرسند. که با بخش خبر شهادت این روحانی مجاهد و فرماندهی دلیر حزب وحدت اسلامی حجت الاسلام شهید مهر علی شریفی لعلی در تمام منطقه لعل عزای عمومی اعلام شده و مردم برای این فاجعه بزرگ اشک حسرت میریزند.

والسلام

### (( طلوع وحدت ))

جریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری

صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی ۰۰۰

زیر نظر: کمیون فرهنگی

مدیر مسئول: م، ط، حاج نظری

مرکز بخش: دفاتر و نمایندگان حزب وحدت

اسلامی در داخل و خارج کشور

آدرس: کویته پاکستان پست بکس ۱۲۲